

Towards Heritage Politics: An Inquiry into Four Conservation Documents from the Perspective of Depoliticization*

Abstract

Although heritage conservation and its practitioners cannot escape politics, the dominant body of conservation knowledge has been widely depoliticized over time. This article argues that mainstream conservation discourse has systematically minimized, obscured, or reframed its political dimensions, presenting itself instead as neutral, technical, and consensus-driven. Drawing on theoretical perspectives from political studies and heritage politics, the paper first establishes the necessity of politicizing conservation by demonstrating that heritage is inherently embedded in power relations, value conflicts, identity formation, territorial claims, and governance structures. Conservation decisions are therefore never purely technical interventions but also political acts that shape social meaning and distributional outcomes. The article then examines what depoliticization in conservation entails, why it occurs, and how it becomes normalized within doctrinal texts and professional frameworks. The study adopts a qualitative research methodology grounded in logical argumentation and theory-informed inquiry. It conceptualizes depoliticization as a set of identifiable discursive and methodological tactics through which contested and value-laden issues are transformed into technical, managerial, or apparently universally agreeable matters. These tactics are defined as theoretical codes and operationalized in a directed content analysis of four major international conservation documents: the Venice Charter, the Conservator-Restorer Document, the Washington Charter, and the Recommendation on the Historic Urban Landscape. These documents were selected because of their foundational role in shaping global conservation doctrine, professional ethics, and operational standards across institutions and national contexts. The analysis was conducted using MAXQDA software to enable systematic coding, comparison, and interpretation of recurring patterns in terminology, framing devices, argumentative structures, and normative assumptions associated with depoliticizing strategies. The findings reveal three principal depoliticization tactics operating across the examined documents. The first is the reliance on technical-instrumental rationality, through which conservation problems are primarily framed as technical challenges solvable by expert knowledge, standardized procedures, and scientific methods, thereby marginalizing political debate, ethical disagreement, and competing social priorities. The second tactic is neutrality framing, where conservation principles and interventions are presented as objective, universal,

Received: 26 Sep 2025

Received in revised form: 06 Nov 2025

Accepted: 19 Dec 2025

Sadra Moradi¹ [iD](#)

PhD of Conservation of Historic Buildings and Fabrics, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sadramoradi@ut.ac.ir

Somaye Fadaeinejad² [iD](#) (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sarafadaei@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.403097.673120>

and value-free, concealing the normative and political assumptions underlying processes of selection, categorization, prioritization, and interpretation. The third tactic is the emphasis on consensusability, which promotes harmony, shared values, and broad agreement while downplaying conflict, contestation, dissenting voices, and asymmetries of power among stakeholders and affected communities. Because conservation knowledge and practice are deeply shaped by international charters and doctrinal texts produced by global organizations, these depoliticizing tactics -whether applied consciously or unconsciously- have had far-reaching consequences for the field. They have contributed to weakening political awareness in heritage discourse, narrowing the analytical vocabulary available to practitioners, and limiting recognition of heritage as a site of negotiation, struggle, and democratic engagement. As a result, key political questions concerning representation, exclusion, authority, rights, and resource allocation in heritage conservation processes are often rendered invisible, deferred, or treated as secondary concerns rather than central analytical categories. The article concludes by calling for a critical reconsideration of prevailing conservation approaches and for restoring the legitimate place of political analysis within heritage theory and practice. It argues that identifying and unpacking depoliticization mechanisms is a necessary first step toward a more reflexive, transparent, and politically informed conservation paradigm capable of engaging openly with conflict, plurality, and power relations instead of masking them behind claims of technical neutrality and universal consensus.

Keyword: , conservation, depoliticization, heritage, politics, technique

Citation: Moradi, Sadra, & Fadaeinejad, Somaye. (2025). Towards heritage politics: an inquiry into four conservation documents from the perspective of depoliticization. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 30(4), 49-69. (in Persian)



© Authors retain the copyright and the full publishing.

Publisher: University of Tehran Press.

*This article is derived from the first author's doctoral research, entitled "The pragmatic conservation of heritage; inquire into the practical art (craft) of decision-making for the historic environment" under the supervision of the second author at the University of Tehran.

بازخوانی انتقادی سیاست‌زدایی در حفاظت از میراث: واکاوی چهار سند بنیادین*

چکیده

در حالی که مواجهه‌ی با سیاست برای حفاظت و حفاظت‌گران اجتناب‌ناپذیر است، مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که چگونه از جریان غالب دانش حفاظت به‌طور گسترده سیاست‌زدایی شده است. در این راستا، با بهره‌گیری از دیدگاه پژوهش‌گران حوزه‌ی سیاست و سیاست میراث، ابتدا ضرورت سیاسی‌سازی حفاظت تبیین شده و سپس چستی، چرایی و چگونگی سیاست‌زدایی از آن مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با اتکا

به روش تحقیق کیفی و راهبرد تحلیل محتوای جهت‌دار، چهار سند کلیدی بین‌المللی شامل «منشور ونیز»، «حفاظت گر-مرمت گر»، «منشور واشنگتن» و «توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی» را از طریق کدگذاری نظری در نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) تحلیل نموده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهند که سه تاکتیک اصلی شامل «بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری»، «چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی» و «تأکید بر توافق‌پذیری» نقش مؤثری در سیاست‌زدایی از حفاظت ایفا کرده‌اند. از آنجایی که دانش حفاظت بر مبنای اسناد و دکترین‌های سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفته است، این تاکتیک‌ها، چه آگاهانه و چه ناخودآگاه، موجب تضعیف درک سیاسی از میراث شده و زمینه‌ی حذف ابعاد سیاسی از گفتمان حفاظت را فراهم کرده‌اند. لذا این مقاله بر لزوم بازاندیشی در رویکردهای حفاظت و احیای جایگاه سیاست در آن تأکید دارد و گام اول در این مسیر را درک سیاست‌زدایی از حفاظت می‌داند.

واژه‌های کلیدی: اسناد حفاظت، تاکتیک، سیاست، سیاست‌زدایی، میراث

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

صدرا مرادی؛ دکتری مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، گروه مطالعات و حفاظت معماری و شهری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: sadramoradi@ut.ac.ir

سمیه فدائی‌نژاد؛ نویسنده مسئول، دانشیار گروه مطالعات و حفاظت معماری و شهری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: sarafadaei@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.403097.673120>

استناد: مرادی، صدرا و فدائی‌نژاد، سمیه (۱۴۰۴). بازخوانی انتقادی سیاست‌زدایی در حفاظت از میراث: واکاوی چهار سند بنیادین. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۰(۴)، ۴۹-۶۹.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نگارندگان، حق تکثیر و امتیاز کامل انتشار مقاله خود را حفظ می‌کنند.



* مقاله حاضر برگرفته از پژوهش دکتری نگارنده اول با عنوان «حفاظت پراگماتیک از میراث: واکاوی روایت‌هایی از مهارت عمل تصمیم‌گیری برای محدوده‌های تاریخی» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه تهران ارائه شده است.

مقاله

روش پژوهش

پژوهش حاضر با کاربست روش تحقیق کیفی و راهبرد تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی به دنبال درک سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در مسیر نزدیک شدن به درک سیاست میراث است. در مرحله نخست، با مرور نظام‌مند ادبیات نظری مرتبط، تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از آثار پژوهش‌گران مختلف شامل فلیندرز و بولر (۲۰۰۶)، های (۲۰۰۷)، وود و فلیندرز (۲۰۱۴) و لوئیس و مرتنز (۲۰۲۱) استخراج و به‌عنوان کدهای تحلیلی اولیه تعریف شدند. این کدها شامل مفاهیم کلیدی و الگوهای تکرار شونده‌ای بوده‌اند که در متون نظری به‌عنوان تاکتیک‌های حذف یا پنهان‌سازی ابعاد سیاسی در حوزه‌های مختلف معرفی شده‌اند. در گام بعد، چهار سند رسمی مرتبط با حفاظت از میراث انتخاب و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفتند. دلایل اصلی انتخاب این اسناد را می‌توان موضوعاتی از قبیل تنوع در زمان بندی اسناد، اهمیت اسناد به لحاظ پایه گذاری و ابداع مفاهیم و رویکردها، تنوع در مقیاس و همچنین تأثیر گذاری بر سایر اسناد برشمرد.

منشور و نیز نخستین سند حفاظت و به عقیده بسیاری مهم‌ترین آن‌ها است (Waterton, 2010). اهمیت این سند آنجا بیشتر به چشم می‌آید که بسیاری از اسناد پس از آن نیز بر محتویاتش تکیه می‌کنند. سند حفاظت گر-مرمت گر نخستین و تنها سندی است که به‌طور ویژه به تعریف تخصص و وظایف حفاظت گر می‌پردازد (ICOM, 1987). این سند با اینکه برای نخستین بار با جزئیات کامل تخصص مرمت را واکاوی می‌کند لیکن کمتر مورد توجه پژوهش‌گران، مخصوصاً در ایران، قرار گرفته است. منشور واشنگتن اولین سندی است که موضوع حفاظت از شهرهای تاریخی را پیش می‌کشد و در نتیجه به گسترش مقیاس دید حفاظت‌گران منجر می‌شود و تأثیرات مهمی به رویکرد حفاظت‌گران در مواجهه با میراث می‌گذارد (ICOMOS, 1987). آخرین سند تحلیل‌شده، یعنی توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی نیز سندی است که تمامی چارچوب‌های متأخر حفاظت را تحت تأثیر خود قرار داده است (United Nations Educational, Sci-entific and Cultural Organization, 2011). این سند علاوه بر اثرات گسترده‌ای که بر تعاریف چستی میراث و چرایی حفاظت از آن گذاشته است، به‌طور ویژه‌ای چگونگی حفاظت را نیز با طرح رویکرد منظر مورد توجه قرار داده است.

در نهایت کدها به‌عنوان چارچوب اولیه برای تحلیل اسناد یادشده مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بدین صورت که با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (MaxQDA)، متن چهار سند حفاظت به‌صورت سیستماتیک کدگذاری و تحلیل محتوا شده‌اند. این نرم‌افزار به پژوهش‌گر این امکان را می‌دهد که داده‌ها را به‌صورت مؤثرتری مدیریت و تحلیل کند و به سرعت به اطلاعات مفید دست یابد (Silver & Lewins, 2014). تحلیل محتوای دقیق این چهار سند حفاظت سیاست‌زدایی از میراث را به‌طور ملموس به تصویر می‌کشد و به توسعه‌ی نظری دانش حفاظت کمک شایانی می‌کند.

پیشینه پژوهش

ارتباط بین سیاست و میراث مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران به‌ویژه در حوزه‌ی مطالعات انتقادی میراث قرار گرفته است. این مطالعات با شعار «میراث ذاتاً یک عمل سیاسی است» توسط تاریخ‌دانان مارکسیست شروع و الهام‌بخش جنبش‌های آتی در حوزه‌ی میراث شده

کروگمن، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل، کتاب معروفش *استدلال با زامبی‌ها: اقتصاد، سیاست و مبارزه برای آینده‌ی بهتر* را با این ادعا آغاز می‌کند: «همه چیز سیاسی است» (2020, p. 12). او اعتقاد دارد پژوهش‌گران دو نوع واکنش را به این شرایط برمی‌گزینند: عده‌ای گرمای سیاست را نادیده می‌گیرند و به تحقیقات خود ادامه می‌دهند و گروه دیگر وارد جدال سیاسی می‌شوند و به سیاسی‌سازی موضوعات می‌پردازند (Krugman, 2020, p. 13). مقاله‌ی حاضر به‌نوعی مسیر دوم را در رابطه با دانش حفاظت از میراث پی گرفته است. در این مسیر با تکیه بر آرای نظریه‌پردازان سیاست و همچنین مرور نظرات برخی از پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث ادعا می‌شود که گزیری از سیاست برای حفاظت نیست. همچنین نشان داده می‌شود که در مسیر سیاسی‌سازی میراث پیش از هر چیزی درک شیوه‌ی سیاست‌زدایی یا پنهان کردن سیاست به‌عنوان یک استراتژی جریان غالب دانش حفاظت ضروری است.

از اول هزاره‌ی سوم میلادی پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث اهمیت سیاست میراث را به‌طور مکرر گوشزد نموده‌اند. اسمیت و همکاران (۲۰۲۴) استدلال می‌کنند که هرگونه درک سیاست میراث باید بازنمایی مسائل را به‌عنوان موضوعی فنی و نه ملاحظات قدرت-سیاسی مورد پرسش قرار دهد و در این زمینه اعتقاد دارند به‌طور کلی درباره‌ی سیاست میراث بررسی‌های تحلیلی زیادی نیاز است. لیکن این پژوهش‌گران کمتر به جزئیات روش‌های نادیده‌گرفتن سیاست یا همان سیاست‌زدایی از حفاظت پرداخته‌اند و تبعات آن را جز در تولید و تعریف میراث نقد نکرده‌اند.

از این رو مقاله‌ی حاضر در جست‌وجوی درک شیوه‌های سیاست‌زدایی به بررسی ادبیات موضوع مرتبط با مفهوم نسبتاً جدید سیاست‌زدایی می‌پردازد. سیاست‌زدایی را می‌توان به‌عنوان یکی از جالب‌ترین مفاهیم نوظهور برای تجزیه و تحلیل الگوهای حکومتی معاصر برجسته کرد (Marsh, 2011, as cited in Wood & Flinders, 2014, p. 152). ادبیات سیاست‌زدایی طیف گسترده‌ای را در رشته‌های مختلف به خود اختصاص داده است. فلیندرز و بولر استدلال می‌کنند که «سیاست‌زدایی در سال‌های اخیر به یک مسئله‌ی مهم برای پژوهش‌گران علاقه‌مند به حاکمیت و سیاست عمومی تبدیل شده است» (2006, p. 293). این پژوهش‌گران همان‌گونه که در ادامه نشان داده می‌شود همواره به نقد سیاست‌زدایی از موضوعات در راستای برگرداندن سیاست به آن‌ها یا سیاسی‌سازی مجدد آن‌ها نگرسته‌اند. با این حال باید اذعان کرد که موضوع سیاست‌زدایی در حوزه‌ی حفاظت از میراث مورد توجه جدی قرار نگرفته و مطالعات در این زمینه محدود به اشارات خلاصه و کلی پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث است. در این شرایط مسئله‌ی اصلی نگارندگان مقاله‌ی حاضر این بوده است که چگونه از دانش حفاظت که اغلب در قالب دکترین‌ها و اسناد بین‌المللی اشاعه می‌یابد، سیاست‌زدایی شده است؟ لذا این مقاله در مسیر چرخاندن توجه‌ها به سمت سیاست میراث دو هدف اصلی گسترش ادبیات سیاست‌زدایی به دانش حفاظت و همچنین پرده برداشتن از رویه‌های سیاست‌زدایی از آن را دنبال کرده است.

از پژوهش‌گران سایر رشته‌ها را به خود مشغول نموده، در رشته‌ی حفاظت توجه چندانی را به خود جلب نکرده است و معهود اشارات به سیاست‌زدایی را نیز می‌توان به‌صورت بسیار کلی در همان نوشته‌های پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث یافت. برای نمونه گنتری و اسمیت اذعان می‌کنند که گفتمان رسمی میراث همواره سعی بر آن داشته است حفاظت از میراث را موضوعی فرهنگی معرفی نماید و به متخصصین یادآوری کند که موضوعی برای بحث‌های سیاسی نیست و بدین‌صورت از میراث سیاست‌زدایی نماید و آن را به موضوعی قابل توافق تبدیل کند (Harrison, 2013). در این شرایط بدیهی است که موضوع سیاست‌زدایی از میراث در ایران نیز چندان مورد توجه پژوهش‌گران داخلی قرار نگیرد. علاوه بر این با مرور پژوهش‌هایی که به ارتباط سیاست و میراث در ایران پرداخته‌اند می‌توان پی برد که این مطالعات صرفاً سیاست را به‌مثابه تهیه اسناد بالادستی یا قانون‌گذاری (فدایی‌نژاد و حناچی، ۱۳۹۳؛ مرتجائی و همکاران، ۱۴۰۲) در نظر گرفته و همان‌گونه که در ادامه استدلال می‌شود، با این شیوه‌ی صورت‌بندی به سیاست‌زدایی از میراث دامن زده‌اند. از این‌رو مقاله‌ی حاضر تلاش دارد شیوه‌های سیاست‌زدایی از رویه‌های حفاظت را مورد واکاوی قرار دهد و نشان دهد که این رویه‌ها چگونه به‌طور گسترده به سیاست‌زدایی از حفاظت منجر شده‌اند تا لزوم بازنگری در این رویه‌ها در مسیر سیاسی‌سازی حفاظت را به‌نمایش گذارد.

گریز ناپذیری حفاظت از سیاست

چیلتون سیاست یا امر سیاسی را میان چنین طیفی جانمایی می‌کند: از یک سو نزاری برای قدرت است و از سوی دیگر همکاری برای حل مسئله‌ی برخورد منافع (3, p. 2004). در واکاوی امر سیاسی در دو سر طیف ذکر شده باید از دو فیلسوف برجسته یعنی فوکو و هابرماس نام برد. فلوبر اعتقاد دارد «آثار یورگن هابرماس و میشل فوکو از تنشی ذاتی در قلب مدرنیته حکایت می‌کنند. تنش میان اجماع و تعارض. هابرماس که کانت را نقطه‌ی عزیمت خود قرار می‌دهد، فیلسوف اخلاق مبتنی بر اجماع است. فوکو به پیروی از نیچه فیلسوف تاریخ واقعی است. تاریخی که بر اساس تعارض و قدرت روایت شده است» (۱۸۸، ۱۳۹۸/۱۹۹۸). لیکن می‌توان اشتراکی را میان این دو فیلسوف در باب سیاست شناسایی نمود: آن‌ها نه تنها نسبت به سیاست‌زدایی از تصمیم‌گیری‌های حوزه‌ی عمومی هشدار می‌دهند بلکه امر سیاسی را به‌زندگی روزمره‌ی آدمی می‌کشاند، آن را با خصوصی‌ترین اعیان زندگی مرتبط و به‌طور کلی استدلال می‌کنند که «از قضا، دقیقاً در همان لحظه‌ای که زندگی ما به‌طور فزاینده‌ای سیاسی می‌شود، کمتر به سیاست علاقه نشان می‌دهیم» (Kulynych, 1997, p. 317).

در کنار سایر حوزه‌ها در دانش غالب حفاظت یا گفتمان رسمی میراث نیز این افول علاقه به سیاست منجر به بروز دو ضعف نادیده‌گرفتن سیاست و درک اشتباه از سیاست به‌مثابه دولت-قانون و تقلیل آن به ساختار بورکرواتییک شده است. به نحوی سروشکل‌گرفتن اولی در بخش‌های آتی به‌طور مفصل پرداخته خواهد شد، لیکن در خصوص دومی فوکو فرم‌های مدرن تفکر سیاسی که آن را «زیست-سیاست» می‌نامد جایگزین فرم‌های پیشامدرن حاکمیت می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که باید از انگاره‌های سلسله‌مراتبی برای سیاست دست کشید «فوکو مشکل اساسی این نوع نگاه به قدرت [سیاست] را منفی بودن آن‌ها دانست، چرا که دولت و قانون اساساً به‌عنوان نهادهای محدودکننده تلقی می‌شوند و چنین

است (Carter et al., 2020). نخستین شخصیت آغازگر این جریان را باید رابرت هویسان انگلیسی برشمرد که در اواخر دهه‌ی هشتاد میلادی، اصطلاح «صنعت میراث» را برای توصیف شکل تظهير و تجاری‌سازی شده از گذشته به نام میراث در بریتانیا به کار برد (Harrison, 2013) و از این طریق به‌نوعی از میراث تقدس‌زدایی کرد و در مقابل نسبت به سیاست‌زدایی از میراث هشدار داد. تقریباً هم‌دوره با هویسان، پاتریک رایت کتاب معروف خود «در باره‌ی زیستن در کهنه بوم و بر» را منتشر کرد. رایت (۱۹۸۵) نیز نسبت به سیاست‌زدایی از میراث هشدار داد و تصریح کرد که میراث ملی بازنمایی مفاهیم تصویب‌شده‌ی معین را شامل می‌شود که در آن تاریخ از تنش‌های سیاسی زدوده و به نمایشی متحدکننده تبدیل می‌شود، حل‌کننده‌ی تمام مناقشات. این دو شخصیت به‌طور کلی سیاست میراث را در شکل منفی آن در نظر گرفته و استدلال کردند که از میراث به‌مثابه ابزاری برای انقیاد سوء استفاده شده است. لیکن سومین شخصیت آغازگر جریان مطالعات انتقادی میراث رافائل ساموئل است که با انتشار کتاب خود «تئورهای خاطره» سعی کرد از بار منفی دیدگاه‌های دو شخصیت پیشین به میراث کاسته و نظریه‌ای در باب سیاست میراث و جنبش‌های اجتماعی خلق کند. «او مکان خطوط ربط‌های قرص و محکمی را در شهر می‌کاود (از خلل کاربری زمین و معارضه برای فضای شهری) که معمولاً جای تجمعات مردمی و منابع مورد نیاز برای جنبش‌های اجتماعی معاصر بوده و هنوز هم هست. آنگاه قدرت بسیج‌کننده‌ی میراث را پیش چشم می‌آورد» (مظفری، ۱۴۰۰، ۷۴).

زیر چتر این پایه‌گذاران و از آغاز هزاره‌ی سوم میلادی یک چرخش انتقادی در مطالعات میراث قابل ردیابی است. برجسته‌ترین شخصیت در این چرخش لوراجین اسمیت است که استدلال می‌کند یک گفتمان غربی یا مجموعه‌ای از ایده‌های غالب در مورد میراث وجود دارد که می‌توان از آن به‌عنوان گفتمان رسمی میراث یاد کرد (Smith, 2006). او در چهارچوب نگاه گفتمانی به میراث تلاش می‌کند پنهان شدن قدرت در پس جریان گفتمان رسمی میراث که به‌طور ویژه توسط دکترین‌های حفاظت صورت می‌پذیرد را رمزگشایی کند. لذا در فصل سوم کتاب معروفش «استفاده‌ها از میراث»، با بررسی چهار دکترین «منشور ونیز»، «کنوانسیون میراث جهانی»، «منشور بورا» و همچنین اسناد مرتبط با میراث ناملوس به دنبال این است که نشان دهد «چطور گفتمان رسمی میراث درون اسناد و فرایندهای بنیادین حفاظت و مدیریت میراث نهادینه شده‌اند» (Smith, 2006, p. 87). هرچند بررسی‌های اسمیت و پیروانش به ادغام سیاست در مطالعات انتقادی میراث کمک کرد و پژوهش‌گران را نسبت به رابطه‌ی قدرت و میراث حساس نمود با این حال چند مسئله‌ی مهم (که به‌نوعی با هم مرتبط نیز هستند) در باب این بررسی‌ها را می‌توان این‌گونه بیان داشت: تمرکز صرف آن‌ها بر چیستی میراث، سوار کردن کل دیدگاه‌ها بر نقد منفی ساخت میراث توسط نهادهای رسمی و همچنین عدم بررسی مفصل نحوه‌ی سیاست‌زدایی از چگونگی حفاظت از میراث و در نتیجه نقد جدی این سیاست‌زدایی. این مسائل، به قول ویتکامب و ام (۲۰۱۳)، ضمن اینکه منجر به فاصله‌گرفتن نظریه و عمل حفاظت شده‌اند، گفتمان انتقادی میراث را در تغییر مسیر رویه‌های نهادهای رسمی جریان غالب حفاظت ناکام گذاشته‌اند.

به‌طور کلی باید اشاره کرد که مفهوم سیاست‌زدایی در حالی که بسیاری

جهت‌یابی مداوم تغییرات ایفا می‌کند» (2024, pp. 9-10). جونز معتقد است حفاظت‌گران اغلب شکست می‌خورند زیرا کسانی که در زمینه‌ی حفاظت فعالیت می‌کنند شاید دلسوز باشند ولی فاقد جسارت و ابتکار سیاسی‌اند. او با ارجاع به فردریک داگلاس استدلال می‌کند که «قدرت هیچ چیز را واگذار نمی‌کند مگر به کسانی که خواهان‌اند و مبارزه می‌کنند. این در مورد هر اصلاح اجتماعی کارساز بوده است» (2016, p. 136).

علی‌رغم این ارتباط مهم میان سیاست و میراث جریان غالب دانش حفاظت توجه ویژه‌ای به آن نداشته است. واترتن (۲۰۱۰) استدلال می‌کند که این جریان به سمت پنهان‌نمودن تعارضات، روش‌های اعمال قدرت و منافع سوق داده شده است. هرچند پژوهش‌گران مطالعات انتقادی میراث سیاست‌زدایی را به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی پیشبرد اهداف گفت‌وگو رسمی میراث‌شناسی کرده‌اند، لیکن کمتر به جزئیات روش‌های سیاست‌زدایی پرداخته‌اند. لذا باید اذعان کرد که اولین و مهم‌ترین گام در چرخش تمرکزها به سمت سیاست میراث پیش از هر چیزی واکاوی نحوی نادیده گرفتن یا پنهان ماندن سیاست در دانش حفاظت است که در ادبیات علوم سیاسی با عنوان «سیاست‌زدایی» شناخته می‌شود.

سیاست‌زدایی از میراث به مثابه امر سیاسی

سیاست‌زدایی به‌عنوان یک مفهوم پرتکرار و البته مبهم در دهه‌ی اول قرن بیستم و یکم ظهور کرد. باین حال پیش از این یکی از اولین کسانی که در خصوص سیاست‌زدایی از امر سیاسی هشدار داد کارل اشمیت بود. اشمیت اعتقاد داشت که با ظهور دولت تام در قرن بیستم، «قلمروهایی که به‌ظاهر خنثی محسوب می‌شدند، مثل دین، فرهنگ، آموزش و اقتصاد، دیگر خنثی نخواهند بود. دولت تام به‌صورت بالقوه تمام قلمروها را در برمی‌گیرد و در نتیجه در چنین دولتی همه‌چیز حداقل به‌صورت بالقوه سیاسی است» (۲۰۰۷، ۱۳۹۳، ۱۲). لذا او دوره‌های مختلفی را شناسایی می‌کند که از امر سیاسی سیاست‌زدایی شده است که آخرین و مهم‌ترین آن‌ها را بدین شکل شرح می‌دهد: «اخیراً تصور می‌شود می‌توان در فناوری مبنای خنثی و مطلق نهایی یافت چراکه چیزی خنثی‌تر از فناوری وجود ندارد» (اشمیت، ۲۰۰۷، ۱۳۹۳، ۹۶). اشمیت (۲۰۰۷، ۱۳۹۳) به‌شدت علیه این ادعای دوره‌ی اخیر موضع می‌گیرد و همچنین این را که متخصصین تکنیکال می‌توانند اوضاع را به دست گیرند خیال باطل می‌شمارد و به‌طور انتقادی ادعا می‌کند که تلاش برای تقلیل امور به امور فنی و سیاست‌زدایی منجر به غیرانسانی شدن جهان خواهد می‌شود: «امر سیاسی تعریف می‌کند که انسان بودن در دنیای مدرن چیست و آن‌هایی که می‌خواهند سیاست را کاهش دهند، انسانیت را کاهش می‌دهند» (ص. ۷).

در مورد دلایل سیاست‌زدایی موارد متنوعی ذکر شده است که اصلی‌ترین آن را باید اعمال‌شده به‌مثابه یک شیوه‌ی دولت‌داری تلقی کرد که برای «رد کردن سرزنش و توانایی پاسخگویی از سوی دولت‌ها» مورد استفاده قرار می‌گیرد (Wood & Flinders, 2014, p. 152). پنگ و همکاران اشاره می‌کنند که «با کاهش اعتماد سیاسی به نهادهای عمومی (از جمله سیاست‌مداران و دولت) به‌نظر می‌رسد سیاست‌زدایی به‌عنوان پادزهری ایدئال برای این بحران با توانمندسازی افراد خودمختار و مسئول از طریق روایت یک دولت حداقلی در نظر گرفته می‌شود» (2023, p. 137). سالیوان و اسکالچر (۲۰۰۲) خاطرنشان می‌کنند که به کارگیری راهبردهای سیاست‌زدایی توسط دولت در زمینه‌ی سیاست‌های چالشی

محدودیت‌هایی به‌عنوان الگوی همه‌ی قدرت‌ها در نظر گرفته می‌شوند. این مدل واحد قدرت اجتماعی «سلسله‌مراتبی» است، قدرت را به‌صورت هرمی می‌بیند که از یک رأس منفرد جاری می‌شود: یک حاکم، یک پادشاه، یک رئیس‌جمهور» (Kelly, 2014, pp. 86-87). از این رو با نگاه به آرای ژاک رانسیر می‌توان استدلال کرد این نوع درک اشتباه یا حداقل ناقص از سیاست نیز به‌نوعی خود منجر به ضعف اولی یعنی نادیده گرفتن سیاست میراث می‌شود چراکه در نتیجه‌ی آن قلمرو سیاسی توخالی شده یا امر سیاسی ناپدید شده است (Beveridge & Koch, 2019). لذا رانسیر چنین درکی از سیاست (دولت-قانون) را در محدوده‌ی پلیس جای و پیشنهاد می‌دهد که در مقابل «باید اصطلاح امر سیاسی را برای فعالیت بسیار مصمم و آنتاگونیستیک با پلیس حفظ کنیم؛ هر آنچه که از پیش‌فرض‌های پیکربندی ملموس احزاب و بخش‌ها (قسم‌ها) یا فقدان آن‌ها جدا شود امر سیاسی است: آن بخش (قسم) از کسانی که هیچ بخشی (قسمی) ندارند» (1995, p. 30). هر چند تعریف رانسیر از امر سیاسی یا سیاست در دسته‌ی رادیکالیسم سیاست‌زدایی می‌گیرد باین حال جایی به کمک حفاظت‌گران می‌آید که رهایی سیاست میراث را از مفاهیمی چون قانون، نهاد، حقوق و یا اداره امکان‌پذیر می‌کند. نظریه‌پردازان بسیاری در حوزه‌ی سیاست رادیکال یا مینیمال در خصوص این محدود کردن حوزه‌ی امر سیاسی هشدار داده‌اند. برای نمونه مارچارت ضمن اشاره به این که می‌توان هسته‌ی حداقل شرایط کنش سیاسی را ویژگی‌هایی شامل جمعی بودن، استراتژی داشتن، مناقشه‌ای بودن و سازمان‌دهی شدن برشمرده، استدلال می‌کند که «مامی توانیم هر زمان که حداقل شرایط جمعی، استراتژی، مناقشه و سازمان‌دهی وجود داشته باشد، به‌طور معناداری درباره سیاست صحبت کنیم - مهم نیست که چقدر جمع بزرگ، چقدر استراتژی مؤثر است، چقدر تضاد شدید و چقدر سازمان خوب (بد) است» (2011, p. 972).

در چهارچوب اندیشه‌ی نظریه‌پردازان سیاست که برخی از آن‌ها در بالا شرح داده شدند، پژوهش‌گران بسیاری به ارتباط قوی میان سیاست و میراث اشاره کرده و تا جایی پیش رفته‌اند که میراث را ذاتا سیاسی پنداشته‌اند. مسکل تصریح می‌کند که «معمولاً می‌گویند میراث همواره سیاسی است. اگر میراث همیشه سیاسی است، آنگاه می‌توان انتظار داشت که حفاظت از میراث همیشه پرتنش باشد. اگر میراث سیاسی است و همیشه بوده است، پس مقیاس و پیچیدگی این سیاست‌ها در حال تشدید است» (2016, p. 2). لذا اشمیت و همکاران در مقدمه‌ی کتاب «راهنمای بین‌المللی راتلج: میراث و سیاست» ضرورت درک سیاست را بارها به پژوهش‌گران حوزه‌ی میراث گوشزد می‌کنند و معتقدند وقتی میراث و سیاست در کنار هم آورده می‌شوند، «هر تعریفی از سیاست میراث باید از درک قدرت و توزیع نابرابر آن آغاز شود. بازیگران مختلف در هر درگیری چیزهای متفاوتی در خطر دارند و درک آنچه می‌تواند برای گروه‌های مختلف در یک درگیری از دست رود یا به دست آید برای درک قدرت و در نتیجه سیاست میراث بسیار مهم است» (2024, pp. 9-10). در این زمینه رویکردهای جریان غالب دانش میراث «تمایل دارند نگاه تحلیلی یا تخصصی خود را به موضوعات زیبایی‌شناسی معطوف کنند و زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی میراث‌سازی و نحوه‌ی استفاده از میراث را بی‌زمینه‌کنند» در صورتی که «میراث یک فرآیند اجرایی مدیریت و مذاکره برای تغییر است و بنابراین نقش سیاسی و اجتماعی فعالی را در

احتمالی است (Wood & Flinders, 2014, p. 154). های عرصه‌ی سیاسی را به سه حوزه‌ی ۱. حوزه عمومی و دولتی، ۲. حوزه عمومی اما غیردولتی و ۳. حوزه خصوصی تقسیم و سه نوع سیاست‌زدایی را که بین حوزه‌های عرصه‌ی سیاسی عمل می‌کنند را به شرح ذیل توصیف می‌نماید (2007, pp. 105-106):

- سیاست‌زدایی سطح ۱، تنزل از دولت به حوزه عمومی: تنزل مؤثر موضوعاتی است که قبلاً مشمول بررسی رسمی سیاسی، مشورت و پاسخگویی بودند به حوزه‌ی عمومی و غیردولتی؛
- سیاست‌زدایی سطح ۲، تنزل از حوزه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی: در اینجا موضوعاتی که قبلاً در حوزه‌ی عمومی سیاسی شده بودند، اما در حال حاضر موضوع بحث سیاسی رسمی نیستند، به قلمرو خصوصی منتقل می‌شوند؛
- سیاست‌زدایی سطح ۳، تنزل از حوزه‌ی خصوصی به قلمرو ضرورت: این امر مستلزم انتقال مسئولیت از حوزه‌ی مشورت (قلمرو سیاسی) به حوزه‌ی ضرورت و سرنوشت (قلمرو غیرسیاسی) است که سرنوشت‌گرایی خاصی را در پی دارد - چه خوش‌بینانه و چه بدبینانه. از آنجایی که پروتکل‌های حفاظت از میراث که از اوایل قرن بیستم به دست سازمان‌های بین‌المللی تنظیم، ارائه و همچنین به عنوان اصلی‌ترین چهارچوب‌های نظری دانش میراث شناخته و ترویج شده‌اند، ضروری است سیاست‌زدایی در این شکل از چهارچوب نهادی نیز مورد مذاقه قرار گیرد. لذا پیش از ورود به حوزه‌ی سیاست‌زدایی از میراث، می‌توان آرای دو تن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان حوزه‌ی سیاست‌زدایی، لوئیس و مرتنز، ارائه شده در کتاب مهم آن‌ها، «چرا سازمان‌های بین‌المللی از سیاست متنفرند؟» را بررسی کرد. آن‌ها در کتاب مذکور استدلال می‌کنند که «ما سیاست‌زدایی را هم به عنوان تاکتیک و هم به عنوان فرآیندی می‌اندیشیم که از طریق آن‌ها سازمان‌های بین‌المللی نه از مسئولیت اجتناب بلکه گاهی اوقات حتی مسئولیت را انکار نیز کرده‌اند» (Louis & Maertens, 2021, p. 156). آن‌ها بحث مفصلشان در باب سیاست‌زدایی سازمان‌های بین‌المللی را با اشاره به این موضوع آغاز می‌کنند که هر محقق که در زمینه‌ی این سازمان‌ها پژوهش می‌کند حداقل یک بار جمله‌ی «ما کار سیاسی نمی‌کنیم» را از کارمندان‌شان شنیده‌اند و لذا در مقابل این ادعا استدلال می‌کنند که هر چند روی صحنه محل طرح ادعاهای غیرسیاسی است اما در پشت‌صحنه «سازمان‌های بین‌المللی ذاتاً در سیاست روابط بین‌الملل گنجانده شده‌اند. آن‌ها محل تضاد بین دولت‌ها هستند. آن‌ها چهارچوبی را برای بسیج بازیگران غیردولتی مانند شبکه‌های فعال فراملی یا شرکت‌های چندملیتی فراهم می‌کنند. آن‌ها نقشی کلیدی در شکل‌دادن به مشکلات جهانی و سیستم‌های حکمرانی برای ارائه‌ی پاسخ‌های چندجانبه ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، سازمان‌های بین‌المللی را نمی‌توان به مکانیسم‌های غیرسیاسی که برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی ایجاد شده‌اند تقلیل داد» (Louis & Maertens, 2021, p. 3).

لذا لوئیس و مرتنز (۲۰۲۱) یک چهارچوب دوحشی را به منظور واکاوی سیاست‌زدایی از سازمان‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌دهند: بخش اول به رویه (پرنسیپ‌های سیاست‌زدایی اختصاص دارد و چگونگی سیاست‌زدایی را توضیح می‌دهد و بخش دوم بر منطق‌های سیاست‌زدایی تمرکز دارد تا به چرایی سیاست‌زدایی پاسخ دهد (تصویر ۱).

می‌تواند کنترل سیاسی و اعتماد را افزایش دهد. این استدلال را می‌توان، از نگاه پنگ و همکاران به دو صورت درک کرد: «اولاً، دولت با سیاست‌زدایی از حوزه‌های سیاسی خاص، این تصور را ایجاد می‌کند که عناصر آن کنترل را به مردم منتقل می‌کند. ثانیاً، اگر اهداف سیاست از طریق سیاست‌زدایی محقق شود، برای دولت سودمند است زیرا اعتبار خود این سیاست‌زدایی و صلاحیت مدیریت در این فرآیند تقویت می‌شود» (2003, p. 137).

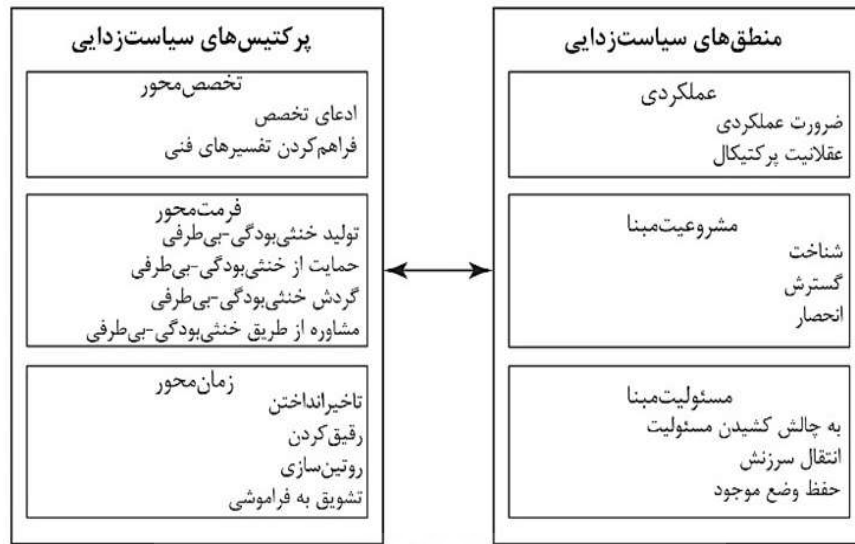
یکی از اولین تعاریف متأخر از سیاست‌زدایی را برنهام این گونه ارائه می‌دهد: «فرآیند حذف ویژگی سیاسی تصمیم‌گیری» (2001, p. 128). باید توجه کرد که از نظر برنهام، سیاست‌زدایی مساوی با واگذاری یا عدم تمرکز قدرت نیست؛ به عبارت دیگر، سیاست‌زدایی باید به عنوان یک بسط امر سیاسی در نظر گرفته شود، نه عقب‌نشینی از امر سیاسی. با این حال برنهام به شیوه‌های سیاست‌زدایی به شکلی ساختاریافته اشاره‌ای نکرد و اولین چارچوب تحلیلی مفصل در زمینه‌ی سیاست‌زدایی را فلیندرز و بولر ارائه دادند. آن‌ها به منظور تمایز بین انواع مختلف تاکتیک‌های سیاست‌زدایی و درک تأثیر متقابل بین آن‌ها، مفهوم سیاست‌زدایی را در یک چارچوب تحلیلی در سه سطح کلان، میانی و خردسیاسی طبقه‌بندی می‌کنند. مهم‌ترین این سطوح را باید سطح میانی برشمرد که خود به سه بخش دیگر تقسیم می‌شود که پنگ و همکاران (۲۰۲۳) تعاریف این سه بخش را بدین صورت خلاصه کرده‌اند:

سیاست‌زدایی نهادی: زمانی اتفاق می‌افتد که سیاستمداران مدیریت معمول یک موضوع خاص را به نماینده‌ای که به طور مستقل اما در چارچوب پارامترهای تعیین‌شده توسط مقامات دولت مرکزی عمل می‌کند، واگذار می‌کنند. سیاست‌زدایی مبتنی بر قاعده: زمانی اتفاق می‌افتد که مقامات دولتی چارچوبی صریح از قوانین تکنوکراتیک (مثلاً طرح اصلاحات) را به عنوان یک تعهد عمومی برای محدود کردن نیاز به اختیار سیاسی اتخاذ می‌کنند. سیاست‌زدایی ترجیحی: شامل هیچ سرمایه ساختاری (سیاست‌زدایی نهادی) یا قانونی (سیاست‌زدایی مبتنی بر قانون) نمی‌شود و می‌تواند زمانی اتخاذ شود که مقامات به دنبال توجیه امتناع از مداخله یا تنظیم یک موضوع خاص باشند. (pp. 140-141)

اصلی‌ترین نقد به مدل سیاست‌زدایی فوق را وود و فلیندرز (۲۰۱۴) وارد کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که این مدل «شکلی از وابستگی به مسیری روشن‌فکرگونه را به وجود می‌آورد که بیش‌ازحد بر رویکرد دولت‌محور تأکید می‌کند و بر ابعاد گفت‌وگویی و اجتماعی که سیاست‌زدایی در آن‌ها زیاد شفاف نیست، کمتر توجه می‌کند» (Wood & Flinders, 2014, p. 152). لذا پیشنهاد می‌کنند که در عوض مدل سیاست‌زدایی کالین های، محقق برجسته‌ی علوم سیاسی، می‌تواند در خصوص تحلیل گفتمان اثرگذارتر باشد چرا که «ما را قادر می‌سازد تا درک کنیم که چگونه اشکال مختلف سیاست‌زدایی تقریباً خودپایدار و حتی انگلی می‌شوند» (Wood & Flinders, 2014, p. 153).

کالین‌های سیاست را به عنوان حوزه‌ی احتمالات و مشورت صورت‌بندی می‌کند. «این تعریف آن را از قلمرو ضرورت متمایز می‌کند که در غیاب ظرفیت عاملیت انسان، این سرنوشت و طبیعت است که با آن برای برتری مبارزه می‌کند» (Hay, 2007, p. 99). سیاسی شدن به این معنا تبدیل‌شدن موضوع به موضوع بحث عمومی، تصمیم‌گیری و موارد

تصویر ۱. سیاست‌زدایی سازمان‌های بین‌المللی (Louis & Maertens, 2021)



بازیگران دخیل در فرایند تصمیم‌گیری خسته شوند.

- پیگیری انحصارطلبی: این تاکتیک بر انحصارطلبی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای سیاست‌ها توسط بازیگران خاص تمرکز دارد. این بازیگران تلاش می‌کنند رقابت را محدود کرده و انحصار فعالیت‌ها را در دست بگیرند.
- اجتناب از مسئولیت: در این تاکتیک، بازیگران سیاسی یا سازمان‌ها از پذیرش مسئولیت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها اجتناب می‌کنند. به جای آن، مسئولیت میان بازیگران متعددی تقسیم می‌شود یا جهت سرزنش منحرف می‌شود.
- بازتولید وضعیت موجود: این تاکتیک بر حفظ و بازتولید شرایط موجود و مقاومت در برابر تغییرات ساختاری تأکید دارد. بازیگران ممکن است از پذیرش جهان‌بینی‌های بدیل و دگرگونی نهادی خودداری کنند و به حفظ نهادهای موجود ادامه دهند (Flinders & Buller, 2006; Hay, 2007; Wood & Flinders, 2014; Louis & Maertens, 2021).
- تغییر مباحثه از حوزه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی: یکی دیگر از تاکتیک‌های سیاست‌زدایی، انتقال تصمیم‌گیری‌ها از حوزه عمومی به حوزه خصوصی یا واگذاری مسئولیت‌ها به نهادهای غیررسمی است. این امر باعث می‌شود که مسائل عمومی از نظارت عمومی و فرآیندهای شفاف تصمیم‌گیری خارج شوند.
- تأکید بر توافق‌پذیری: این تاکتیک بر این اساس است که مسائل به نحوی چارچوب‌بندی شوند که به نظر برسد توافق عمومی در مورد آن‌ها وجود دارد و نیازی به مذاکره یا بحث بیشتر نیست.
- این تاکتیک‌ها نشان می‌دهند که چگونه می‌توان مسائل پیچیده‌ی سیاسی را از طریق شیوه‌های مختلف سیاست‌زدایی کرد و آن‌ها را به موضوعات غیرسیاسی تبدیل کرد. لذا درک این تاکتیک‌های سیاست‌زدایی می‌تواند به تحلیل فرایند سیاست‌زدایی در حوزه‌های مختلف از جمله حفاظت از میراث کمک شایانی نماید و نشان دهد علیرغم این که گریزی از سیاست

سه دسته‌ی اصلی رویه (پراکتیس‌های سیاست‌زدایی) به کار گرفته شده درون سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان بدین شکل دسته‌بندی کرد؛

- متخصص محور: سیاست‌زدایی از طریق اعمالی انجام می‌شود که شامل ادعای وضعیت غیرسیاسی بر اساس دانش تخصصی و در عین حال کاهش پیچیدگی سیاسی با تفسیر مشکلات از چهارچوب نگاه و راه‌حل‌های فنی است؛
- شکل (قالب) محور: سیاست‌زدایی با استفاده از قالب‌های خاصی رخ می‌دهد که به محتوای سیاسی آن بی‌طرفی آشکار می‌بخشد؛
- زمان محور: سیاست‌زدایی با کنترل بازه‌ی زمانی و سرعت تصمیم‌گیری ایجاد می‌شود، بنابراین حرکت سیاسی را کمرنگ می‌کند (Louis & Maertens, 2021, p. 13).

در اینجا با جمع‌بندی نظریات تشریح شده در باب سیاست‌زدایی، مؤلفه‌هایی برای شناسایی تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از امر سیاسی شناسایی شده‌اند که می‌توان از آن‌ها برای تحلیل سیاست‌زدایی در دانش حفاظت از میراث نیز استفاده کرد. سیاست‌زدایی همان‌گونه که اشاره شد به‌طور کلی به معنای جدا کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری از درگیری‌های سیاسی و انتقال آن‌ها (به شکلی ظاهری) به حوزه‌های غیرسیاسی است. تاکتیک‌های شناسایی‌شده در این چارچوب را می‌توان مطابق با جدول ۱ دسته‌بندی کرد و آن‌ها را این‌گونه شرح داد:

- بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری: در این تاکتیک مسائل به‌عنوان مسائل فنی و تخصصی مطرح شوند و ابعاد اجتماعی و سیاسی مرتبط با تصمیم‌گیری برای میراث نادیده گرفته می‌شوند.
- چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی (بی‌طرفی): در این تاکتیک، اقدامات و تصمیمات به نحوی معرفی می‌شوند که خنثی و غیرسیاسی به نظر برسند.
- تطویل زمانی و رد شتاب: تاکتیک دیگری که در سیاست‌زدایی استفاده می‌شود، تعویق در تصمیم‌گیری‌ها و پیچیده‌کردن فرایندهاست. این تاکتیک باعث می‌شود بحث‌های سیاسی به‌مرور زمان کاهش یابند و

جدول ۱: تاکتیک‌های اصلی سیاست‌زدایی (Flinders & Buller, 2006; Hay, 2007; Wood & Flinders, 2014; Louis & Maertens, 2021)

محو اصل سیاست‌زدایی	تاکتیک‌ها	ارجاع نظری
بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری	ارائه راه‌حل‌های فنی؛ بی‌زمینه‌سازی حوزه‌ی کاری؛ تأکید بر تفسیرهای فنی؛ تقلیل جهان به مدل‌های کمی؛ جداسازی تخصص از سیاست؛ تکیه بر تخصص فنی؛ ادعای آفاقیت؛ توسل به قطعیت؛ تثبیت قواعد دانش؛ تولید تخصص	Flinders & Buller, 2006; Hay, 2007; Louis & Maertens, 2021
چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	تأکید بر آموزندگی و مشاوره‌ای بودن ابزارها؛ ارائه بهترین پراکسیس به‌عنوان راه‌حل نهایی؛ انکار پیچیدگی‌های سیاسی؛ روایت تجربیات به‌عنوان داستان‌های موفق؛ تعمیم موارد فردی به قواعد کلی؛ ساده‌سازی مسائل؛ نتیجه‌گیری عمومی؛ ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی؛ تأکید بر خنثی‌بودگی فنی	Wood & Flinders, 2014; Louis & Maertens, 2021
تأکید بر توافق‌پذیری	تأکید بر توافق در مسائل فنی؛ باور به شمول توافق در همه شرایط؛ تقلیل مناقشات عمیق به اختلافات جزئی؛ حذف ظاهری مناقشات؛ نادیده گرفتن فرایندها؛ مذاکره؛ ارائه ادعاهای جهان‌شمول	Hay, 2007; Wood & Flinders, 2014
تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها	انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم؛ تبدیل تصمیم‌گیری از حوزه انتخاب به حوزه ضرورت؛ بارسپاری مسئولیت‌ها به بازار؛ خصوصی‌سازی حوزه عمومی؛ واگذاری اختیارات به نهادهای خصوصی و شبه‌دولتی	Flinders & Buller, 2006; Hay, 2007
اجتناب از مسئولیت	انکار نیاز به دگرگونی نهادی؛ رد جهان‌بینی‌های بدیل؛ بازتولید وضعیت موجود؛ پخش مسئولیت میان بازیگران متعدد؛ انحراف سرزنش؛ عدم پاسخگویی	Flinders & Buller, 2006; Louis & Maertens, 2021
پیگیری انحصارطلبی	انحصار فعالیتی؛ توسعه محدوده کاری؛ سرمایه‌گذاری بر مهارت‌های قدیمی؛ محدودسازی و اجتناب از رقابت	Louis & Maertens, 2021
تطویل زمانی و تعویق واکنش	حافظه انتخابی؛ تشویق به فراموشی مناقشات گذشته؛ روتین‌سازی وضعیت‌های استثنایی؛ پیچیده‌سازی و تکثیر فرایندها؛ انباشت گزارش‌ها و اصلاحات؛ تعویق تصمیم‌گیری	Flinders & Buller, 2006; Louis & Maertens, 2021

فنون‌ی که می‌توانند در مطالعه و پاسداری میراث معمارانه مؤثر باشند بهره‌جویید (ICOMOS, 1964). منشور و نیز دستیابی به این هدف اساسی را در قالب دستورالعمل‌های فنی ساده پیشنهاد می‌دهد که برخی آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- حفاظت از یک اثر متضمن محافظت از شرایط بستر در مقیاس آن است که هیچ ساختمان جدید، تخریب یا اصلاحاتی که در روابط، حجم و رنگ تغییر پدید می‌آورد نباید اجازه داده شود؛
- انتقال همه یا بخشی از اثر مجاز نیست مگر آن که ضرورت‌های پاسداشت آن ایجاب کند؛
- هرگونه اقدام گریزناپذیری که صورت می‌گیرد باید ترکیب معمارانه‌ی متمایز و مهر زمان بر خود داشته باشد و در هر صورت مرمت باید به دنبال مطالعات باستان‌شناسانه و تاریخی بنا صورت گیرد؛
- جایی که فنون سنتی پاسخگو نباشد استحکام‌بخشی می‌تواند از طریق به کارگیری فناوری امروزی برای امر حفاظت صورت گیرد مشروط بر این‌که کارایی آن از طرق علمی و تجربی به اثبات رسیده باشد (ICOMOS, 1964).

در منشور و نیز تقریباً تمامی مسائل حفاظت به موارد فنی ساده تقلیل یافته که از طریق یک متخصص فنی حل‌شدنی‌اند. حتی یک‌بار در این منشور به کلماتی مانند سیاست، مناقشه و یا مذاکره اشاره‌ای نشده است و به کلی چنین موضوعاتی نادیده گرفته شده‌اند. جدول ۲ به‌طور خلاصه به سیاست‌زدایی در منشور و نیز بر مبنای مؤلفه‌های سیاست‌زدایی شناسایی شده در بخش پیشین پرداخته است.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در منشور و نیز بیشتر از تاکتیک به کارگیری عقلانیت فنی-ابزاری برای سیاست‌زدایی از دانش حفاظت بهره گرفته است. تفسیرهای فنی علاوه بر اینکه سوگیری‌های سیاسی، مواضع معرفت‌شناختی و نیز سوگیری‌های فردی و حرفه‌ای را پنهان کرده، مسائل جهان‌پیش‌روی حفاظت گرانی که به این اسناد رجوع می‌کنند را نیز به جهان ساده و بدون مناقشه‌ای تبدیل می‌کنند که در آن ادعا می‌شود

برای حفاظت نیست چگونگی از دانش حفاظت از میراث به‌طور گسترده سیاست‌زدایی شده است.

واکاوی اسناد حفاظت از منظر سیاست‌زدایی

مبنای رشته‌ی حفاظت از میراث را باید در اسناد تدوین‌شده در سطح بین‌المللی با عناوینی از قبیل منشور، کنوانسیون، بیانیه یا توصیه‌نامه یافت. در این سطح است که بسیاری از «قوانین بازی» وضع می‌شوند، چه در قالب متونی که «بهترین عملکرد» را مشخص می‌کنند، هنجارها و اصول را بیان می‌کنند، یا سیستم‌های نظارتی مجازات و پیامد را ایجاد می‌کنند (Waterton, 2010, p. 36). بر مبنای نظریات سیاست‌زدایی که در بخش قبلی به آن‌ها پرداخته شد می‌توان استدلال کرد که در چهارچوب این اسناد و پارادایمی که می‌توان آن را حفاظت عقلانی خواند (مرادی و فدائی‌نژاد، ۱۴۰۲) از دانش حفاظت به‌طور جدی سیاست‌زدایی شده است. در این بخش به جزئیات این سیاست‌زدایی در چهار دکترین مهم حفاظت پرداخته می‌شود.

منشور و نیز یکی از اولین دکترین‌هایی بود که برای نخستین بار «فرایند مرمت علمی و تخصصی» را پیش کشید (ICOMOS, 1964). دلیل انتخاب منشور و نیز به‌عنوان نقطه‌ی آغاز این است که این سند همچنان به‌عنوان یک متن محوری در محیط‌های ملی و بین‌المللی دیده می‌شود و بنابراین در انتشار یک تفکر غالب در باره‌ی میراث حیاتی بوده است (Waterton, 2010, p. 42).

در مقدمه‌ی منشور آمده است که «ضرورت دارد اصول راهبردی حفاظت و مرمت بناهای کهن مورد پذیرش همگان قرار گیرد، بر پایه‌ی بین‌المللی وضع شود و هر کشوری مسئولیت اجرای آن را در چهارچوب فرهنگ و سن خود بر عهده گیرد» (ICOMOS, 1964). فرضی در اینجا قابل شناسایی است که می‌توان با یک چهارچوب یا پروتکل بین‌المللی از پیش تعیین‌شده از میراث حفاظت کرد. منشور و نیز برای نخستین بار از حفاظت گر به‌مثابه متخصص پرده برمی‌دارد و موضوع «حفاظت علمی» را پیش می‌کشد که «مستلزم یک برنامه‌ی نظام‌مند مستمر» است. در ماده‌ی دو منشور عنوان می‌شود که «حفاظت و مرمت آثار باید از تمام علوم و

جدول ۲. تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از دانش میراث در منشور ونیز (ICOMOS, 1964) (یافته‌های پژوهش)

کد	زیر کد	گزاره‌ی کد شده
بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری	ارائه راه‌حل‌های فنی	حفاظت آثار همیشه با استفاده از آنها برای برخی از مقاصد مفید اجتماعی تسهیل می‌گردد. از این رو چنین استفاده‌های مطلوب است، ولی نباید طرح یا تزئینات بنا را تغییر دهد. تنها در چنین محدوده‌هایی است که آن اصلاحاتی که تغییر کاربری ایجاد می‌کند مجاز دانسته می‌شود و می‌تواند پیش‌بینی گردد.
	بی‌زمینه‌سازی حوزه‌ی کاری	ضرورت دارد اصول راهبردی محافظت و مرمت بناهای کهن، مورد پذیرش همگان قرار گیرد و بر پایه‌ی بین‌المللی وضع شود.
	تاکید بر تفسیرهای فنی	حفاظت و مرمت آثار باید از تمام علوم و فنونی که می‌توانند در مطالعه و پاسداری میراث معمارانه مؤثر باشند، باری جوید.
	تکیه بر تخصص فنی	فرآیند مرمت عملیاتی بسیار تخصصی است.
	ادعای آفاقیت	ضرورت دارد اصول راهبردی محافظت و مرمت بناهای کهن، مورد پذیرش همگان قرار گیرد و بر پایه‌ی بین‌المللی وضع شود.
	توسل به قطعیت	هر گونه بازسازی از پیش باید کنار گذاشته شود.
چهارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	تثبیت قواعد دانش	کاوش‌ها باید در انطباق با معیارهای علمی و اصول مشخص‌شده بین‌المللی مصوب ۱۹۵۶ یونسکو در ارتباط با کاوش‌های باستان‌شناسی به مرحله اجرا در آید.
	تاکید بر ویژگی‌های آموزشی، پرکتیکال و مشاوره‌ای ابزارهای ارائه شده	مرمت باید در نقطه‌ای متوقف گردد که حدس و گمان آغاز می‌شود، و در این مورد، هر اقدام گریزناپذیری که صورت می‌گیرد باید از ترکیب معمارانه اصلی متمایز و مهر زمان را بر خود داشته باشد.
	ارائه‌ی بهترین پراکتیس به عنوان راه‌حل نهایی	محوطه‌های تاریخی، به‌منظور پاسداری از آثار و تمامیت آنها و اطمینان از این امر که به‌شیوه‌های شایسته عرضه و خوانا می‌شوند، باید مورد توجه خاص قرار گیرند. کار حفاظت و مرمتی که در این گونه اماکن به‌اجرا در می‌آید ملهم از اصولی باشد که در مواد فوق اعلام شد.
	ارائه تجربیات به عنوان داستان‌های موفق	برای نخستین بار منشور ۱۹۳۱ آن به سوی پیشبرد یک جنبش بین‌المللی وسیع، سهم مؤثری ایفا کرد
	تولید قواعد و قوانین ساده	مرمت باید در نقطه‌ای متوقف گردد که حدس و گمان آغاز می‌شود، و در این مورد، هر اقدام گریزناپذیری که صورت می‌گیرد باید از ترکیب معمارانه اصلی متمایز و مهر زمان را بر خود داشته باشد.
	ساده‌سازی مسائل	هدف آن محافظت و آشکار ساختن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی اثر بر پایه احترام به مصالح اصلی و اسناد اصیل است.
تاکید بر توافق پذیری	نتیجه‌گیری عمومی (عمومیت‌بخشی)	مسئولیت همگانی در پاسداری از این آثار برای نسل‌های آینده مورد پذیرش است.
	تاکید بر خنثی‌بودگی فنی	ضرورت دارد اصول راهبردی محافظت و مرمت بناهای کهن، مورد پذیرش همگان قرار گیرد و بر پایه‌ی بین‌المللی وضع شود.
	تاکید بر توافق در مسائل فنی	هدف آن محافظت و آشکار ساختن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی اثر بر پایه احترام به مصالح اصلی و اسناد اصیل است.
	باور به شمول توافق در کلیه شرایط	آثار کهن را به‌مثابه میراث همگانی به‌شمار می‌آورند.
	حذف ظاهری مناقشات محدود نمودن رقابت‌ها	برای نخستین بار منشور ۱۹۳۱ آن به سوی پیشبرد یک جنبش بین‌المللی وسیع، سهم مؤثری ایفا کرد.
	ارائه ادعاهای جهانشمول	مردم امروز بیش از پیش آگاه به ارزش‌های وحدت جامعه بشری می‌شوند
تفویض ظاهری و اختیارات و مسئولیت‌ها	انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم	مسئولیت همگانی در پاسداری از این آثار برای نسل‌های آینده مورد پذیرش است.
	انتقال تصمیم‌گیری از حوزه مشورت و احتمالات به حوزه ضرورت	ضرورت دارد اصول راهبردی محافظت و مرمت بناهای کهن، مورد پذیرش همگان قرار گیرد و بر پایه‌ی بین‌المللی وضع شود.
	واگذاری اختیارات به نهادهای خصوصی و نیمه دولتی	در کار ایکوم و یونسکو و تأسیس «مرکز مطالعه محافظت و مرمت اموال فرهنگی» شکل واقعی به خود گرفت.
اجتناب از مسئولیت	انکار نیاز به دگرگونی نهادی ساختاری	برای نخستین بار منشور ۱۹۳۱ آن به سوی پیشبرد یک جنبش بین‌المللی وسیع، سهم مؤثری ایفا کرد.
	بازتولید وضعیت موجود	کاوش‌ها باید در انطباق با معیارهای علمی و اصول مشخص‌شده بین‌المللی مصوب ۱۹۵۶ یونسکو در ارتباط با کاوش‌های باستان‌شناسی به مرحله اجرا در آید.
پی‌گیری انحصارطلبی	انحصارطلبی در حوزه فعالیت	محوطه‌های تاریخی، به‌منظور پاسداری از آثار و تمامیت آنها و اطمینان از این امر که به‌شیوه‌های شایسته عرضه و خوانا می‌شوند، باید مورد توجه خاص قرار گیرند. کار حفاظت و مرمتی که در این گونه اماکن به‌اجرا در می‌آید ملهم از اصولی باشد که در مواد فوق اعلام شد.
	سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های قدیمی	کاوش‌ها باید در انطباق با معیارهای علمی و اصول مشخص‌شده بین‌المللی مصوب ۱۹۵۶ یونسکو در ارتباط با کاوش‌های باستان‌شناسی به مرحله اجرا در آید.
تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش	پیچیده‌کردن و تکثیر فرایندها	تأثیرگذاری روی مسائلی گردیده که مستمراً پیچیده‌تر و متنوع شده است.

ارائه‌ی تجربیات به‌عنوان داستان‌های موفق، تأکید بر خنثی‌بودگی را در سیاست‌زدایی از حفاظت به‌تصویر می‌کشد.

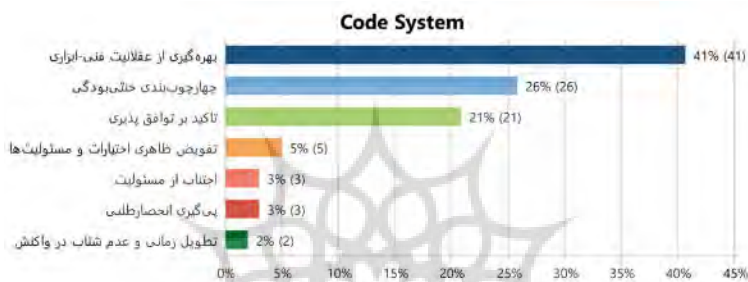
در مجموع می‌توان گفت پرتکرارترین ادعاها در منشور و نیز ادعاهای فنی هستند که در سراسر متن منشور به‌طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این ادعاهای فنی از طرفی جهان حفاظت را به جهانی ساده و تعمیم‌پذیر تبدیل می‌کنند و از سوی دیگر به همراه ارجاع به ضرورت‌های بدیهی تصمیم‌گیری را از احتمالات به سمت قطعیت‌ها سوق می‌دهند. کلیه‌ی این تاکتیک‌ها دست‌به‌دست هم می‌دهند تا منشور و نیز راز قلمرو مذاکره، رقابت، مباحثه و مانند آن‌ها به قلمرو نسخه‌های تجویز شده‌ی جهان‌شمول، عمومی، فراگیر و توافق‌پذیر گسیل کنند.

لیکن شاید این ادعا مطرح شود که منشور و نیز اولین پروتکل حفاظت

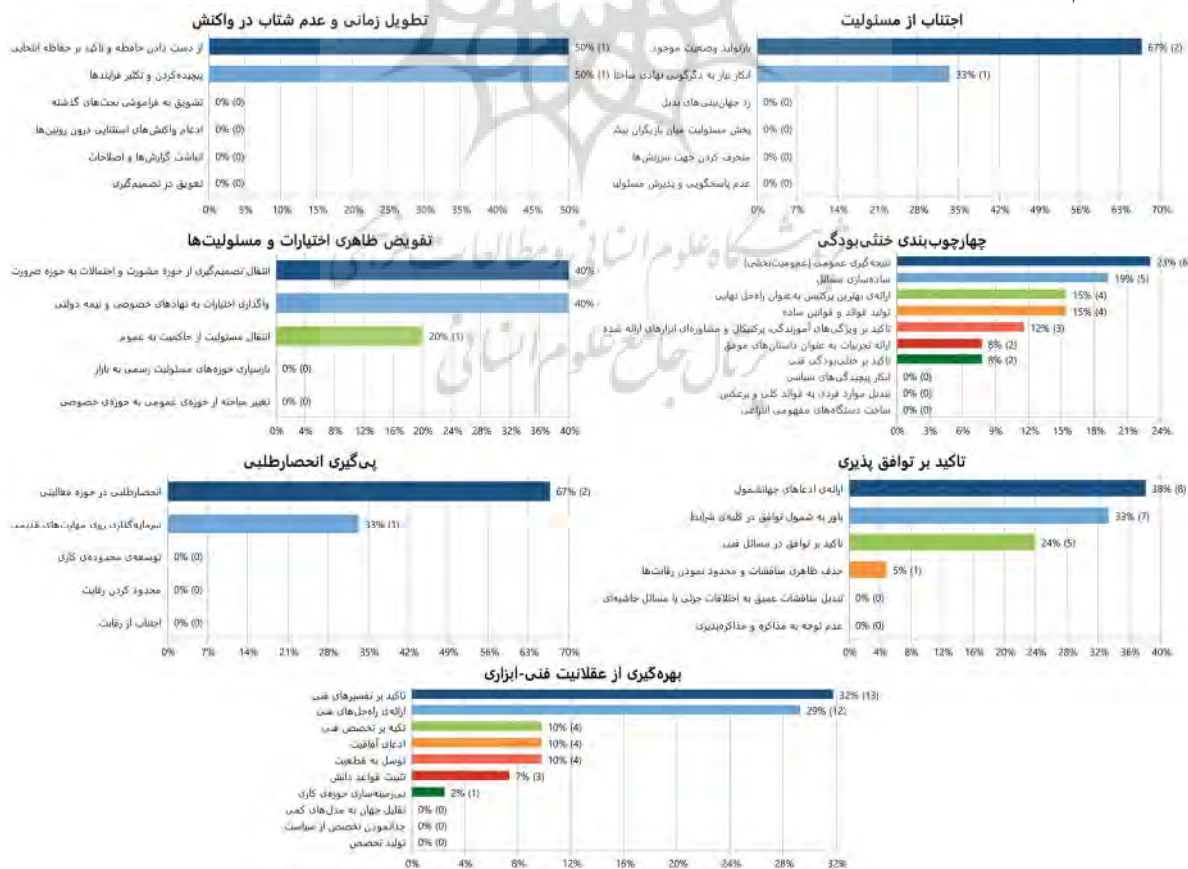
می‌توان با ابزارهای قطعی و فنی مسائل را حل نمود. با این‌که اصلی‌ترین تاکتیک سیاست‌زدایی در منشور و نیز را باید کاربرد عقلانیت ابزاری یا فنی دانست با این‌حال انواع دیگر روش‌های سیاست‌زدایی در این منشور را می‌توان مطابق نمودار ۱ برشمرد.

نمودار ۲ با جزئیات بیشتری به روش‌های سیاست‌زدایی در منشور و نیز پرداخته است. همان‌گونه که از این نمودار مشخص است بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری به‌صورت تأکید بر تفسیرهای فنی، ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی، تکیه بر تخصص فنی، توسل به قطعیت و آفاقیت، تثبیت قوانین و بی‌زمینه‌سازی به سیاست‌زدایی از دانش حفاظت دامن زده است. چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی یا بی‌طرفی نیز به ترتیب عمومیت‌بخشی، ساده‌سازی، ارائه‌ی بهترین پراکتیس، تأکید بر ویژگی‌های آموزندگی،

نمودار ۱. تاکتیک‌های کلی سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در منشور و نیز (ICOMOS, 1964) (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۲. مکانیسم‌های سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در منشور و نیز (ICOMOS, 1964) (یافته‌های پژوهش)



چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی، پیگیری انحصارطلبی، تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها، تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش‌ها، تأکید بر توافق‌پذیری، بهره‌گیری از عقلانیت فنی و در نهایت اجتناب از مسئولیت دست به سیاست‌زدایی زده است.

همان‌گونه که در نمودار ۳ مشخص است بیشترین تاکتیک سیاست‌زدایی در سند حفاظت‌گر-مرمتگر کپنهاگ نیز به مانند منشور و نیز بهره‌گیری از عقلانیت فنی و ابزاری بوده است. در قالب تکیه بر تخصص فنی، تأکید بر تفسیرهای فنی، تثبیت قواعد دانش، تولید تخصص، بی‌زمینه‌سازی حوزه‌ی کاری، توسل به قطعیت، ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی، ادعای آفاقیت از عقلانیت فنی-ابزاری به منظور سیاست‌زدایی در این سند بهره گرفته شده است. چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی دومین تاکتیک پرتکرار سیاست‌زدایی در سند کپنهاگ است. این تاکتیک نیز با استفاده از ارائه‌ی بهترین پرتکتیس به عنوان راه‌حل نهایی، تولید قواعد و قوانین ساده، ساده‌سازی مسائل، تأکید بر ویژگی‌های آموزندگی، عمومیت‌بخشی، ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی و در نهایت انکار پیچیدگی‌ها به سیاست‌زدایی از دانش حفاظت منجر شده است. علاوه بر این دو، تأکید بر توافق‌پذیری، پیگیری انحصارطلبی، تطویل زمانی، تفویض اختیارات و اجتناب از مسئولیت نیز به ترتیب میزان توجه به دیگر روش‌های سیاست‌زدایی در سند کپنهاگ را به تصویر می‌کشند (نمودار ۴).

در سند کپنهاگ نیز به‌طور جدی جهان حفاظت‌گران به جهانی فنی و قابل‌مدیریت با راه‌حل‌های فنی تقلیل داده شده است. در این جهان نیز حفاظت‌گران نیازی به مذاکره، چانه‌زنی، اقدام سیاسی، پذیرش مسئولیت یا مقاومت در برابر قدرت ندارند و کلیه مسائل حفاظت را می‌توان توسط آموزش‌های فنی و تکنیکال دانشگاهی حل نمود.

بسیاری از پژوهشگران میراث چرخش توجه دکترین‌های حفاظت از بناها به سمت بافت‌ها و شهرهای تاریخی را به‌عنوان یک پیشرفت در دانش حفاظت معرفی می‌کنند. هرچند این گسترش مقیاس از بناها به سمت فضاهای شهری می‌تواند زمینه‌ی توجه به مناقشات و درگیری‌های سیاسی از یک‌سو و همچنین پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های جهان حفاظت را از سوی دیگر به وجود آورد، با این حال از محتوای نخستین سند جدی‌ای که بافت‌های تاریخی را مورد توجه قرار داده است، یعنی منشور واشنگتن مشخص است که روند سیاست‌زدایی از دانش حفاظت در این سند نیز به

بوده است و بدیهی است که نتواند به بسیاری مسائل بپردازد. البته که خود این گزاره «عقلانیت» ادعایی دانش حفاظت در منشور را زیر سؤال می‌برد و محدود بودن درک زمانی و مکانی پدیدآورندگان منشور را به نمایش می‌گذارد. با این حال، در بررسی سایر اسناد حفاظت نیز می‌توان تمرکز به دانش فنی و سیاست‌زدایی از دانش میراث را شاهد بود. دومین سندی که به آن پرداخته شده است راهنمایی جالب توجه است که کمتر مورد توجه متخصصین حفاظت ایرانی قرار گرفته است. سند راهنمای حفاظت‌گر-مرمت‌گر اولین بار به زبان آلمانی توسط آگنس بالسترم تهیه گردید که به‌عنوان یک مقاله‌ی کاری در کمیته‌ی استانداردها و آموزش ایکروم در جلسه‌ی نوامبر ۱۹۷۸ ارائه شده است. این سند سپس توسط گروه آموزش حفاظت و مرمت ایکوم اصلاح و در هفتمین نشست سه‌ساله آن در کپنهاگ تصویب شده است. اهمیت این سند از آنجایی است که برای اولین بار دست به تولید چهارچوبی برای رشته‌ی حفاظت می‌زند و سعی می‌کند نقش حفاظت‌گر و حرفه‌ی او را تعریف نماید.

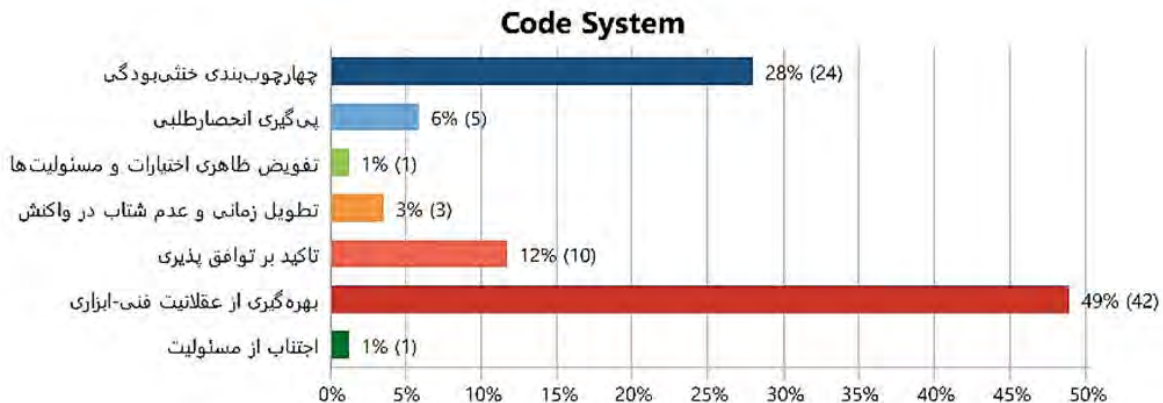
این سند نیز به مانند منشور و نیز (احتمالاً به تبعیت از آن) ابتدا ادعا می‌کند که هدفش «بیان اهداف اساسی، اصول و الزامات حرفه حفاظت» (ICOM, 1987) است و در چهارچوب این اصول حفاظت‌گر را به‌مثابه متخصص فنی (تکنیکال) معرفی می‌کند. حوزه‌ی فعالیتی حفاظت‌گر-مرمتگر در این سند این‌گونه در قالب سه فعالیت بررسی، مراقبت و مرمت تشریح شده است:

بررسی: روش اولیه‌ای است که برای تعیین اهمیت اسنادی یک مصنوع انجام می‌شود که شامل شناخت ساختار و مواد اصلی، میزان زوال، تغییر و از بین رفتن آن و مستندات این یافته‌ها است. مراقبت: اقدامی است که برای به تأخیر انداختن یا جلوگیری از زوال یا آسیب به اموال فرهنگی با کنترل محیط و یا رفتار با ساختار آن‌ها به منظور حفظ آن‌ها در حالت تغییرناپذیر در حد امکان انجام می‌شود. مرمت: اقداماتی است که برای قابل‌درک کردن یک مصنوع خراب یا آسیب‌دیده، با حداقل قربانی کردن یکپارچگی زیبایی‌شناختی و تاریخی انجام می‌شود. (ICOM, 1987)

هر چند در سند به‌طور صریح به انکار سیاست‌پرداخته نشده است با این حال همان‌گونه که از جدول ۳ مشخص است می‌توان سیاست‌زدایی را در این سند نیز شناسایی نمود.

به‌طور کلی این سند با دست‌یازیدن به هفت گروه سیاست‌زدایی

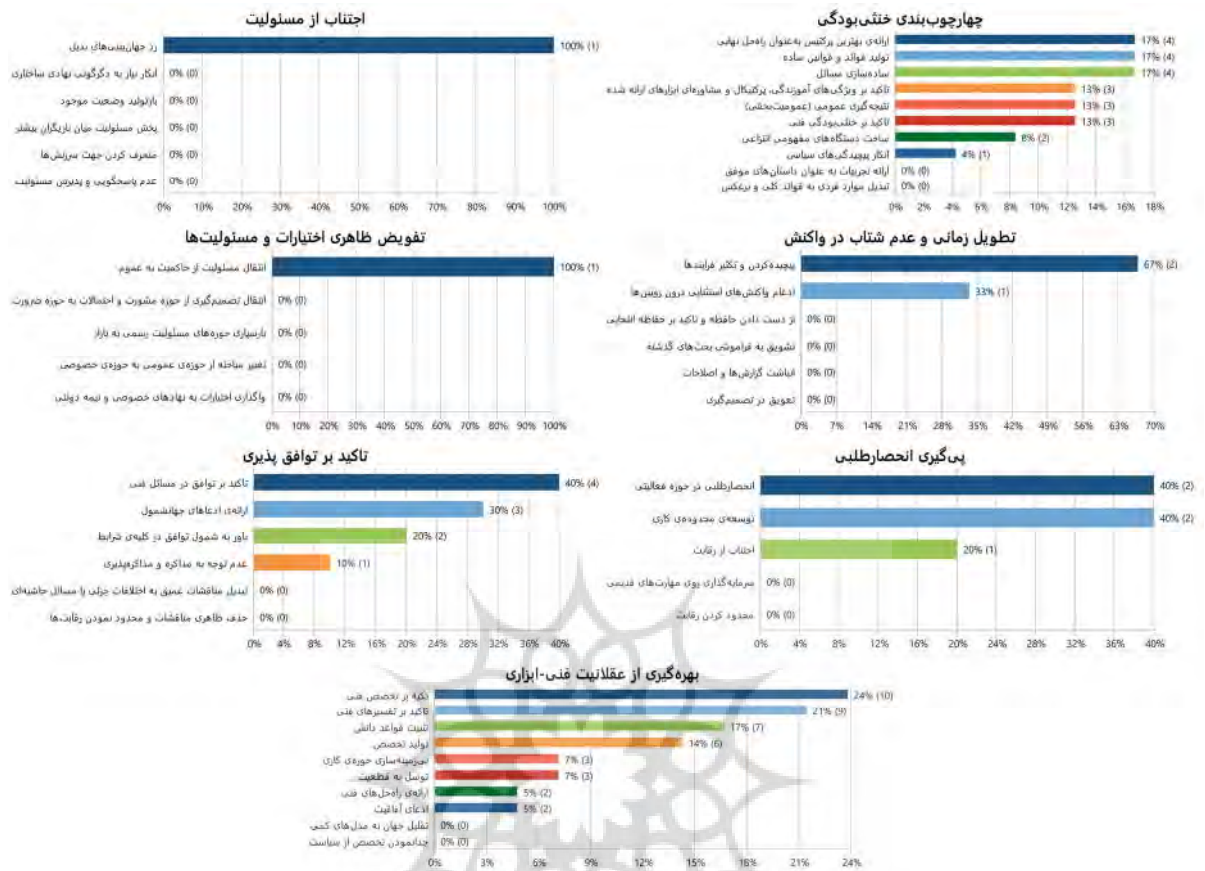
نمودار ۴: تاکتیک‌های کلی سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در سند حفاظت‌گر-مرمتگر کپنهاگ (ICOM, 1987) (یافته‌های پژوهش)



جدول ۳. تاکتیک‌های سیاست‌زادای از دانش میراث در سند حفاظت گر-مرمتگر کپنهاگ (ICOM, 1987) (یا قه‌های پژوهش)

کد	زیر کد	گزاره‌ی کد شده
بهره‌گیری از عقلانیت فنی- ابزاری	ارائه راه‌حل‌های فنی	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	بیرزمینه‌سازی حوزه‌ی کاری	آموزش باید شامل توسعه حساسیت و مهارت دستی، کسب دانش نظری در مورد مواد و تکنیک‌ها، و پایه‌گذاری دقیق در روش‌شناسی علمی برای تقویت ظرفیت حل مشکلات حفاظتی با پیروی از یک رویکرد سیستماتیک، استفاده از تحقیقات دقیق و تفسیر انتقادی نتایج باشد.
	تاکید بر تفسیرهای فنی	مداخله در یک شی تاریخی یا هنری باید دنباله‌ای از یک روش شناسی علمی مشترک باشد: بررسی منبع، تحلیل، تفسیر و ترکیب.
	تکیه بر تخصص فنی	کیفیت مستند شسی، تاریخی مبنای تحقیق در تاریخ هنر، قوم‌نگاری، باستان‌شناسی و سایر رشته‌های علمی است. از این رو، مراقبت از یکپارچگی فیزیکی آنها اهمیت دارد.
	ادعای آفاقیت	وظیفه آنها درک جنبه مادی اشیاء، با اهمیت تاریخی و هنری است تا از پوسیدگی آنها جلوگیری کنند و درک ما از آنها را تقویت کنند تا تمایز بین آنچه اصلی و ساختمانی است بیشتر شود.
	توسل به قطعیت	وظیفه آنها درک جنبه مادی اشیاء، با اهمیت تاریخی و هنری است تا از پوسیدگی آنها جلوگیری کنند و درک ما از آنها را تقویت کنند تا تمایز بین آنچه اصلی و ساختمانی است بیشتر شود.
چهارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	تنبیت قواعد دانش	هدف این سند بیان اهداف اساسی، اصول و الزامات حرفه حفاظت است.
	تولید تخصص	حرفه‌های دیگر مانند پزشکی، وکیل و معمار، مرحله‌ای از خودآزمایی و تعریف را پشت سر گذاشته‌اند و استانداردهای پذیرفته شده‌ای را ایجاد کرده‌اند. چنین تعریفی از حرفه حفاظتگر-مرمتگر تاکنون ارائه نشده است. این باید به این حرفه کمک کند تا با رشته‌هایی مانند متمدنی یا باستان‌شناس برابری کند.
	تاکید بر ویژگی‌های آموزندگی، پرکتیکال و مشاوره‌ای ابزارهای ارائه شده	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	ارائه‌ی بهترین پرکتیس به‌عنوان راه‌حل نهایی	بنابراین، تمام مداخلات باید با یک بررسی روشمند و علمی با هدف درک شی، در تمام جنبه‌های آن انجام شود و پیامدهای هر دستکاری باید به طور کامل در نظر گرفته شود.
	انکار پیچیدگی‌های سیاسی	آموزش و پرورش نظری باید شامل موضوعات زیر باشد: تاریخ هنر و تمدن‌ها؛ روشهای تحقیق و مستندسازی؛ آشنایی با تکنولوژی و مواد؛ نظریه و اخلاق حفاظت؛ تاریخچه حفاظت و بازسازی و فناوری؛ شیمی، زیست‌شناسی و فیزیک فرآیندهای زوال و روش‌های حفاظت.
	تولید قواعد و قوانین ساده	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
تاکید بر توافق پذیری	ساده‌سازی مسائل	وظیفه آنها درک جنبه مادی اشیاء، با اهمیت تاریخی و هنری است تا از پوسیدگی آنها جلوگیری کنند و درک ما از آنها را تقویت کنند تا تمایز بین آنچه اصلی و ساختمانی است بیشتر شود.
	نتیجه‌گیری عمومی (عمومیت‌بخشی)	هدف این سند بیان اهداف اساسی، اصول و الزامات حرفه حفاظت است.
	ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی	آموزش و پرورش نظری باید شامل موضوعات زیر باشد: تاریخ هنر و تمدن‌ها؛ روشهای تحقیق و مستندسازی؛ آشنایی با تکنولوژی و مواد؛ نظریه و اخلاق حفاظت؛ تاریخچه حفاظت و بازسازی و فناوری؛ شیمی، زیست‌شناسی و فیزیک فرآیندهای زوال و روش‌های حفاظت.
	تاکید بر خنثی‌بودگی فنی	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	تاکید بر توافق در مسائل فنی	چنین همکاری در صورتی به خوبی عمل می‌کند که محافظ-مرمت‌کننده بتواند سوالات خود را به طور علمی و دقیق فرموله کند و پاسخ‌ها را در زمینه مناسب تفسیر کند.
	باور به شمول توافق در کلیه‌ی شرایط	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها	عدم توجه به مذاکره‌پذیری	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	ارائه‌ی ادعاهای جهانشمول	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	رد جهان‌بینی‌های بدیل	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	انحصارطلبی در حوزه‌ی فعالیت	هدف این سند بیان اهداف اساسی، اصول و الزامات حرفه حفاظت است.
	توسعه‌ی محدودی کاری	آموزش و پرورش نظری باید شامل موضوعات زیر باشد: تاریخ هنر و تمدن‌ها؛ روشهای تحقیق و مستندسازی؛ آشنایی با تکنولوژی و مواد؛ نظریه و اخلاق حفاظت؛ تاریخچه حفاظت و بازسازی و فناوری؛ شیمی، زیست‌شناسی و فیزیک فرآیندهای زوال و روش‌های حفاظت.
تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش	اجتناب از رقابت	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	ادغام واکنش‌های استثنایی درون روتین‌ها	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.
	پیچیده‌کردن و تکثیر فرایندها	اما هرگز نباید نیاز به توسعه و تقویت درک عوامل فنی، علمی، تاریخی و زیبایی‌شناختی را از دست داد. هدف نهایی از آموزش، پرورش متخصصان کاملاً جامعی است که قادر به انجام مداخلات حفاظتی بسیار پیچیده و مستندسازی کامل آنها هستند.
	اجتناب از مسئولیت	فعالیت حفاظت گر- مرمتگر (حفاظت) شامل معاینه فنی، مراقبت و حفاظت/مرمت اموال فرهنگی است.

نمودار ۴: تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در سند حفاظت گر-مرمترگر کپنهاگ (ICOM, 1987) (یافته‌های پژوهش)



فنی گذاشته و از بحث‌های غیرفنی‌ای که می‌تواند به‌نوعی سیاسی در نظر گرفته شوند در این منشور اجتناب شده است. تأکید بر توافق‌پذیری، چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی، تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها، انحصارطلبی و تطویل زمانی از دیگر تاکتیک‌های سیاست‌زدایی است که در این منشور از آن‌ها استفاده شده است.

در مسیر بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری به‌منظور سیاست‌زدایی از حفاظت میراث، منشور واشنگتن بیشترین تأکید را بر تفسیرهای فنی کرده است. پس از آن ارائه راه‌حل‌های فنی، بی‌زمینه‌سازی حوزه‌ی فعالیت، تثبیت قواعد دانش، جدانمودن تخصص از سیاست، تکیه بر تخصص‌های فنی، ادعاهای آفاقیت و قطعیت و همچنین تولید تخصص به ترتیب پر تکرارترین دسته از این تاکتیک‌های سیاست‌زدایی بوده‌اند. چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی نیز از طریق ساده‌سازی مسائل، انکار پیچیدگی‌های سیاسی، ارائه‌ی تجربیات به‌عنوان داستان‌های موفق، تولید قواعد و قوانین ساده، عمومیت بخشی و ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی منجر به سیاست‌زدایی در حفاظت از میراث در قالب منشور واشنگتن شده است. باین حال باید توجه داشت با ورود به مسائل و چالش‌های شهری احتمالاً تدوین کنندگان منشور واشنگتن، هر چند کم‌رنگ در یافته‌اند موضوعات شهری چیزی فراتر از موضوعات فنی را شامل می‌شوند. از این رو توافق‌پذیری در مقایسه با اسناد پیشین به‌طور ویژه مورد توجه این سند قرار می‌گیرد. توافق‌پذیری در منشور واشنگتن شامل باور به شمول توافق در کلیه‌ی شرایط، ارائه‌ی ادعاهای جهان‌شمول،

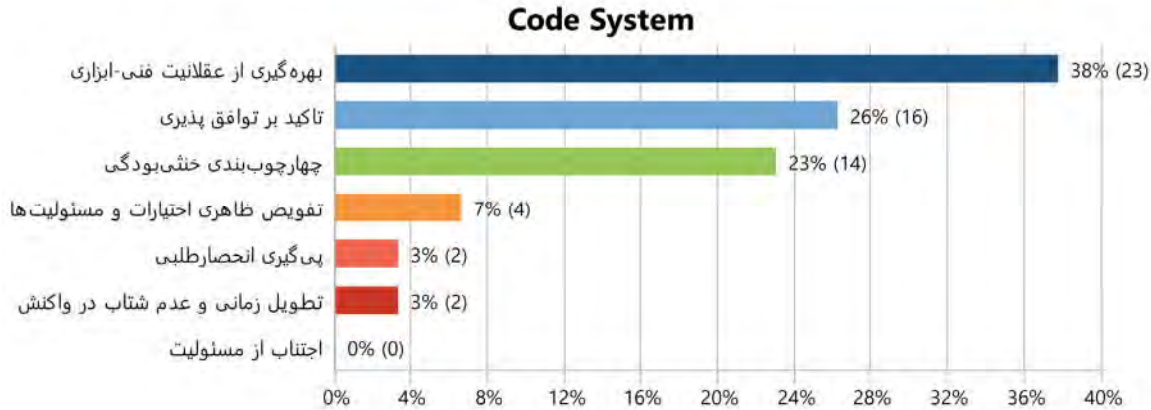
مانند اسناد پیشین ادامه دارد. با این تفاوت که این بار به‌نوعی از حفاظت از شهرهای تاریخی سیاست‌زدایی در منشور واشنگتن پرداخته است. همان‌گونه که از اصلی سیاست‌زدایی در منشور واشنگتن پرده برداشته است. همان‌گونه که از این جدول پیداست بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری در منشور واشنگتن نیز نقش پررنگی را ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال در این سند نسخه‌هایی از قبیل موارد ذیل به‌عنوان بهترین برکتس حفاظت برای حفاظت گران تجویز شده‌اند:

- سازگار کردن این مناطق با زندگی معاصر مستلزم تأسیسات دقیق یا بهسازی امکانات خدمات عمومی می‌باشد.
 - تردد و وسایل نقلیه درون شهر یا منطقه‌ی شهری تاریخی باید کنترل گردد و فضاهای پارکینگ نیز می‌بایست چنان طراحی شوند که به کالبد تاریخی یا محیط پیرامون آن آسیبی وارد نماند.
 - هنگامی که در برنامه‌ریزی شهری یا منطقه‌ای احداث بزرگراه‌های اصلی پیش‌بینی می‌شود نباید آن‌ها به شهر یا منطقه‌ی تاریخی شهر رسوخ نمایند لیکن امکان دسترسی به آن‌ها را باید بهبود بخشند.
 - هنگامی که نیاز به ساخت ابنیه جدید یا انطباق موارد موجود پدید می‌آید، طرح‌بندی فضایی موجود به‌ویژه از نظر مقیاس و اندازه قطعات زمین باید محترم شمرده شود (ICOMOS, 1987).
- همان‌گونه که در نمودار ۵ مشخص است منشور واشنگتن نیز به مانند دو سند بررسی‌شده در بخش پیشین تمرکز خود را روی موضوعات

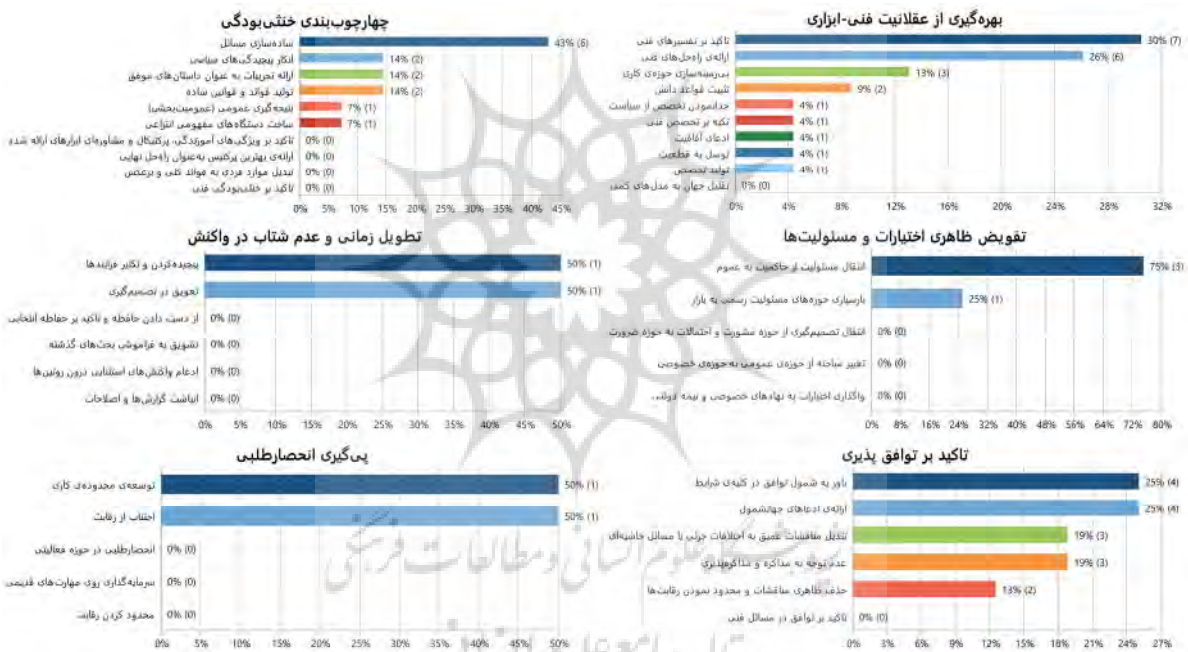
جدول ۴. تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از دانش میراث در منشور واشنگتن (ICOMOS, 1987) / یافته‌های پژوهش

کدها	زیرکدها	گزاره‌های کد شده	
بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری	ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی	سازگار کردن این مناطق با زندگی معاصر مستلزم تأسیسات دقیق یا به‌سازی امکانات خدمات عمومی می‌باشد.	
	بی‌زمینه‌سازی حوزه‌ی کاری	این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
	تاکید بر تفسیرهای فنی	در طرح‌های حفاظتی باید به تمام عوامل مرتبط از جمله باستان‌شناسی تاریخ معماری فنون جامعه‌شناسی و اقتصاد پرداخته شود.	
	جدانمودن تخصص از سیاست	به منظور بیشترین اثر بخشی باید حفاظت از شهرهای تاریخی و دیگر مناطق شهری تاریخی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در هر سطحی منظور گردد.	
	تکیه بر تخصص فنی	باید برای همه حرفه‌های مرتبط با حفاظت و آموزش تخصصی در نظر گرفته شود.	
	ادعای آفاقیت	این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
	توسل به قطعیت	طرح حفاظت باید تعیین کند که چه ساختمان‌هایی باید حفظ شوند، کدامیک تحت شرایط بخصوصی باید حفظ شوند و کدامیک ممکن است تحت شرایط کاملاً استثنایی قربانی شوند.	
	تثبیت قواعد دانش	تا طرح حفاظتی مصوب گردد باید هرگونه فعالیت حفاظتی مورد نیاز مطابق با اصول و اهداف این منشور و منشور نیز پیش برده شود.	
	تولید تخصص	باید برای همه حرفه‌های مرتبط با حفاظت و آموزش تخصصی در نظر گرفته شود.	
	چهارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	انکار پیچیدگی‌های سیاسی	مشارکت و نقش‌آفرینی ساکنان برای موفقیت برنامه حفاظتی امری حیاتی است و باید تقویت گردد. حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی پیش از همه برای ساکنان آن‌ها مهم می‌باشد.
ارائه تجربیات به عنوان داستان‌های موفق		همان‌گونه که در توصیه‌نامه یونسکو در رابطه با صیانت و نقش معاصر مناطق تاریخی «ورشو - نایروبی (۱۹۷۶)» و همچنین در دیگر اسناد مختلف بین‌المللی بیان گردید، «حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی به معنای آن مراحل دانسته می‌شد که برای حمایت، حفاظت و مرمت این گونه شهرها و مناطق و همچنین برای توسعه و انطباق هماهنگ آن‌ها با زندگی معاصر ضروری می‌باشد.»	
تولید قواعد و قوانین ساده		این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
ساده‌سازی مسائل		به منظور بیشترین اثربخشی باید حفاظت از شهرهای تاریخی و دیگر مناطق شهری تاریخی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در هر سطحی منظور گردد.	
نتیجه‌گیری عمومی (عمومیت‌بخشی)		این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی		این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
باور به شمول توافق در کلیه شرایط		مشارکت و نقش‌آفرینی ساکنان برای موفقیت برنامه حفاظتی امری حیاتی است و باید تقویت گردد. حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی پیش از همه برای ساکنان آن‌ها مهم می‌باشد.	
تبدیل مناقشات عمیق به اختلافات جزئی یا مسائل حاشیه‌ای		طرح حفاظت باید توسط ساکنان منطقه تاریخی مورد حمایت قرار گیرد.	
تاکید بر توافق پذیری		حذف ظاهری مناقشات و محدود نمودن رقابت‌ها	مشارکت و نقش‌آفرینی ساکنان برای موفقیت برنامه حفاظتی امری حیاتی است و باید تقویت گردد. حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی پیش از همه برای ساکنان آن‌ها مهم می‌باشد.
		عدم توجه به مذاکره و مذاکره‌پذیری	به منظور بیشترین اثر بخشی باید حفاظت از شهرهای تاریخی و دیگر مناطق شهری تاریخی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های منسجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در هر سطحی منظور گردد.
	ارائه ادعاهای جهانشمول	این متن جدید، اصول، اهداف و روش‌های لازم جهت حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی را تعریف می‌نماید.	
	تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها	انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم	مشارکت و نقش‌آفرینی ساکنان برای موفقیت برنامه حفاظتی امری حیاتی است و باید تقویت گردد. حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی پیش از همه برای ساکنان آن‌ها مهم می‌باشد.
بارسپاری حوزه‌های مسئولیت رسمی به بازار		در طرح‌های حفاظتی باید به تمام عوامل مرتبط از جمله باستان‌شناسی تاریخ معماری فنون جامعه‌شناسی و اقتصاد پرداخته شود.	
توسعه‌ی محدودی کاری		باید پیش از برنامه‌ریزی برای حفاظت شهرها و مناطق شهری تاریخی بررسی‌های میان‌رشته‌ای انجام شده باشند.	
بی‌گیری انحصارطلبی		باید یک برنامه اطلاع‌رسانی عمومی به منظور ترغیب به مشارکت و نقش‌آفرینی برای همه ساکنان تنظیم گردد که با کودکان در سن مدرسه آغاز شود.	
تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش	پیچیده کردن و تکثیر فرایندها	باید پیش از برنامه‌ریزی برای حفاظت شهرها و مناطق شهری تاریخی بررسی‌های میان‌رشته‌ای انجام شده باشند.	
	تعویق در تصمیم‌گیری	باید پیش از برنامه‌ریزی برای حفاظت شهرها و مناطق شهری تاریخی بررسی‌های میان‌رشته‌ای انجام شده باشند.	

نمودار ۵. تاکتیک‌های کلی سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در منشور واشنگتن (ICOMOS, 1987) (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۶. تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در منشور واشنگتن (ICOMOS, 1987) (یافته‌های پژوهش)



از سال ۲۰۰۵ میلادی به بعد و به‌واسطه‌ی افزایش فشارهای توسعه در بافت‌های تاریخی نظریه‌پردازان حفاظت، به‌طور ویژه باندترین و ون اوئرز، سعی کردند بازنگری‌هایی را در پارادایم حفاظت به‌وجود آورند. آن‌ها رویکرد جدید خود را رویکرد منظر شهری تاریخی نامیدند و ادعا کردند که این رویکرد علاوه بر اینکه تمامی لایه‌های ارزشمند شهر تاریخی را در برمی‌گیرد می‌تواند با توجه به این لایه‌ها یک روش بهینه را برای حفاظت از میراث پیشنهاد دهد.

هرچند توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی تلاش کرد پیچیدگی‌های مواجهه با یک شهر را به مخاطبان خود گوشزد نماید لیکن این سند نیز به امر سیاسی به‌عنوان یک ویژگی مهم حفاظت توجه چندانی نکرده است. در متن توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی بارها این ادعای قطعیت ذکر شده است که «این توصیه‌نامه یک رویکرد جامع و یکپارچه برای حفاظت»

تبدیل مناقشات عمیق به اختلافات جزئی و در نهایت حذف ظاهری مناقشات و محدود نمودن رقابت می‌شود. سایر تاکتیک‌های سیاست‌زدایی در منشور واشنگتن نیز در نمودار ۶ قابل مشاهده‌اند.

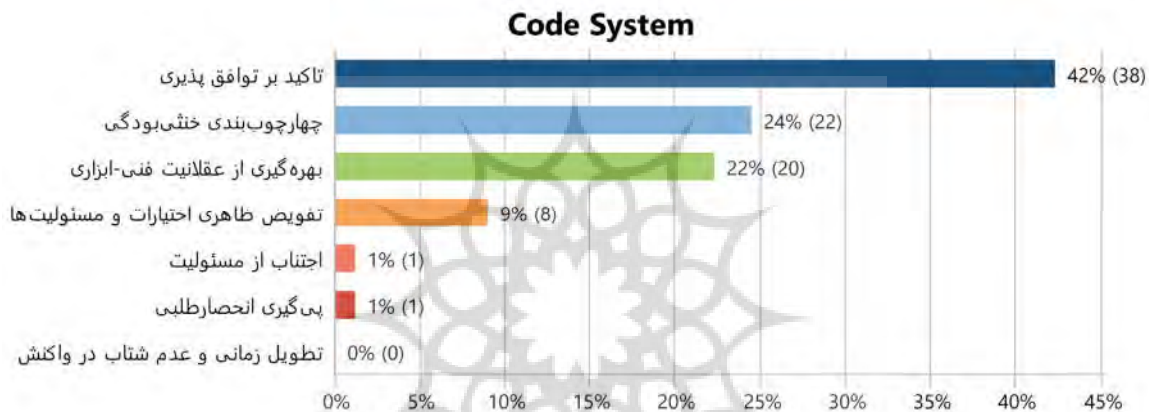
باید گفت تکرار گزاره‌های سیاست‌زدایی در منشور واشنگتن بیشتر روی ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی و تأکید بر تفسیرهای فنی بوده است. به‌طور کلی ۱۴ تاکتیکی که مشابهت گزاره داشته‌اند را می‌توان به این صورت تشریح کرد: ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی، تأکید بر تفسیرهای فنی، تثبیت قواعد دانش، انکار پیچیدگی‌های سیاسی، ارائه‌ی تجربیات به‌عنوان نمونه‌های موفق، تولید قواعد و قوانین ساده، ساده‌سازی مسائل، باور به شمول توافق در کلیه‌ی شرایط، تبدیل منافات عمیق به اختلافات جزئی، حذف ظاهری مناقشات، عدم توجه به مذاکره، ارائه‌ی ادعاهای جهان‌شمول و انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم.

جدول ۵. تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از دانش میراث در توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی (UNESCO, 2011) (یافته‌های پژوهش)

کد	زیر کد	گزاره کد شده
بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری	ارائه‌ی راه‌حل‌های فنی	ابزارهای دانش و برنامه‌ریزی باید به حفاظت از یکپارچگی و اصالت ویژگی‌های میراث شهری کمک رساند. این ابزار مستندسازی و نقشه‌برداری از ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی را نیز شامل می‌شود. اثرات میراثی، اجتماعی و زیست‌محیطی به منظور پشتیبانی و تسهیل فرآیندهای تصمیم‌گیری در چارچوب توسعه‌ی پایدار می‌بایستی مورد ارزیابی قرار گیرد.
	تاکید بر تفسیرهای فنی	این توصیه‌نامه یک رویکرد منظرین برای شناسایی، حفاظت و مدیریت مناطق تاریخی در بستر گسترده‌تر شهری این مناطق با در نظر گرفتن روابط متقابل اشکال و فرم‌های فیزیکی، ارتباطات و سازمان فضایی، ویژگی‌های طبیعی و زمینه‌ای و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.
	ادعای آفاقیت	کشورهای عضو را به تدوین چارچوب سازمانی مناسب و اتخاذ اقدامات قانونی، با نظر به کاربری اصول و هنجارهای موجود در این توصیه‌نامه در مناطق تحت اختیار خود توصیه می‌کند؛
بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری	توسل به قطعیت	این توصیه‌نامه‌ها همچنین شماری از تهدیدات خاص حفاظت از مناطق شهری تاریخی را شناسایی می‌کنند و اصول کلی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای رویارویی با چنین چالش‌هایی ارائه می‌نمایند.
	تثبیت قواعد دانش	کشورهای عضو را به تدوین چارچوب سازمانی مناسب و اتخاذ اقدامات قانونی، با نظر به کاربری اصول و هنجارهای موجود در این توصیه‌نامه در مناطق تحت اختیار خود توصیه می‌کند؛
	تولید تخصص	این توصیه‌نامه یک رویکرد منظرین برای شناسایی، حفاظت و مدیریت مناطق تاریخی در بستر گسترده‌تر شهری این مناطق با در نظر گرفتن روابط متقابل اشکال و فرم‌های فیزیکی، ارتباطات و سازمان فضایی، ویژگی‌های طبیعی و زمینه‌ای و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.
چهارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	تاکید بر ویژگی‌های آموزندگی، پرکنیکال و مشاوره‌ای ابزارهای ارائه شده	این توصیه‌نامه یک رویکرد منظرین برای شناسایی، حفاظت و مدیریت مناطق تاریخی در بستر گسترده‌تر شهری این مناطق با در نظر گرفتن روابط متقابل اشکال و فرم‌های فیزیکی، ارتباطات و سازمان فضایی، ویژگی‌های طبیعی و زمینه‌ای و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.
	ارائه‌ی بهترین پراکتیس به عنوان راه‌حل نهایی	کشورهای عضو را به تدوین چارچوب سازمانی مناسب و اتخاذ اقدامات قانونی، با نظر به کاربری اصول و هنجارهای موجود در این توصیه‌نامه در مناطق تحت اختیار خود توصیه می‌کند؛
	انکار پیچیدگی‌های سیاسی	تمام سطوح دولتی شامل دول محلی، منطقه‌ای، ملی و ایالتی که از مسئولیت خود آگاه هستند، باید به تعریف، شرح و بسط، اجرا و ارزیابی سیاست‌های حفاظت میراث شهری کمک رسانند. این سیاست‌ها باید مبتنی بر رویکرد مشارکتی همه‌ی ذی‌نفعان و هماهنگ با هر دو دیدگاه نهادی و بخشی باشد.
چهارچوب‌بندی خنثی‌بودگی	ارائه تجربیات به عنوان داستان‌های موفق	قدرانی از سازمان‌های بین‌المللی همکار که در طول شش سال گذشته در فرآیند بررسی سهم بوده‌اند و یونسکو را در وظیفه‌ی خود در تدوین اصول و دستورالعمل برای حفاظت از منظر شهری تاریخی برای حمایت از کشورهای عضو و جوامع محلی پشتیبانی کرده‌اند؛
	تولید قواعد و قوانین ساده	این توصیه‌نامه‌ها همچنین شماری از تهدیدات خاص حفاظت از مناطق شهری تاریخی را شناسایی می‌کنند و اصول کلی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای رویارویی با چنین چالش‌هایی ارائه می‌نمایند.
	ساده‌سازی مسائل	این توصیه‌نامه‌ها همچنین شماری از تهدیدات خاص حفاظت از مناطق شهری تاریخی را شناسایی می‌کنند و اصول کلی، سیاست‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای رویارویی با چنین چالش‌هایی ارائه می‌نمایند.
تاکید بر توافقی	نتیجه‌گیری عمومی (عمومیت‌بخشی)	این توصیه‌نامه یک رویکرد منظرین برای شناسایی، حفاظت و مدیریت مناطق تاریخی در بستر گسترده‌تر شهری این مناطق با در نظر گرفتن روابط متقابل اشکال و فرم‌های فیزیکی، ارتباطات و سازمان فضایی، ویژگی‌های طبیعی و زمینه‌ای و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.
	ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی	رویکرد منظر شهری تاریخی حفظ کیفیت محیط‌زیست انسانی، ارتقاء استفاده‌ی سازنده و پایدار از فضاهای شهری را دنبال می‌نماید و در عین حال شخصیت بومی آن‌ها و ترویج تنوع اجتماعی و عملکردی را به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد اهداف حفاظت از میراث شهری و اهداف توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی را یکپارچه می‌سازد. این رویکرد ریشه در یک رابطه‌ی متوازن و پایدار بین محیط‌های شهری و طبیعی، و بین نیازهای نسل‌های امروز و آینده و میراث گذشته دارد.
	تاکید بر توافقی در مسائل فنی	یکپارچه‌سازی ارزش‌های میراث شهری و وضعیت آسیب‌پذیری آن‌ها در یک چارچوب جامع توسعه‌ی شهری، که در آن حرائم و حوزه‌های حساس میراث که نیاز به توجه دقیق برای برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای پروژه‌های توسعه را دارد، مشخص گردیده باشد.
تاکید بر توافقی پذیرگی	باور به شمول توافقی در کلیه‌ی شرایط	رسیدن به اجماع با استفاده از برنامه‌ریزی مشارکتی و مشاوره با ذی‌نفعان دربارگی این که چه ارزش‌هایی برای انتقال به نسل‌های آینده می‌بایستی محافظت شوند و تعیین این که چه ویژگی‌هایی حامل این ارزش‌ها می‌باشند؛
	تبدیل مناقشات عمیق به اختلافات جزئی یا مسائل حاشیه‌ای	ذی‌نفعان دولتی و خصوصی باید از طریق مشارکت برای تضمین موفقیت کاربری میراث شهری تاریخی با یکدیگر همکاری نمایند؛
	حذف ظاهری مناقشات و محدوددمون رقابت‌ها	تمام سطوح دولتی شامل دول محلی، منطقه‌ای، ملی و ایالتی که از مسئولیت خود آگاه هستند، باید به تعریف، شرح و بسط، اجرا و ارزیابی سیاست‌های حفاظت میراث شهری کمک رسانند. این سیاست‌ها باید مبتنی بر رویکرد مشارکتی همه‌ی ذی‌نفعان و هماهنگ با هر دو دیدگاه نهادی و بخشی باشد.
تاکید بر توافقی پذیرگی	عدم توجه به مذاکره و مذاکره‌پذیری	این رویکرد سیاست، حکمروایی و مدیریت دغدغه‌های مرتبط با انواع ذی‌نفعان شامل محلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و نقش‌آفرینان دولتی و خصوصی را در فرآیند توسعه‌ی شهری مورد خطاب قرار می‌دهد.
	ارائه‌ی ادعاهای جهانشمول	این توصیه‌نامه یک رویکرد منظرین برای شناسایی، حفاظت و مدیریت مناطق تاریخی در بستر گسترده‌تر شهری این مناطق با در نظر گرفتن روابط متقابل اشکال و فرم‌های فیزیکی، ارتباطات و سازمان فضایی، ویژگی‌های طبیعی و زمینه‌ای و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها پیشنهاد می‌نماید.

کد	زیر کد	گزاره کد شده
تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها	بارسپاری حوزه‌های مسئولیت رسمی به بازار	در دهه‌های گذشته، با توجه به افزایش شدید جمعیت شهری در جهان و مقیاس و سرعت توسعه‌ی اقتصاد در حال تغییر، سکونت‌گاه‌های شهری و مناطق تاریخی در بسیاری از مناطق دنیا به مراکز و محرک‌های رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند، و نقشی جدید در زندگی فرهنگی و اجتماعی به دست آورده‌اند.
	تغییر مباحثه از حوزه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی	علاوه بر کمک‌های مالی دولتی و جهانی از سازمان‌های بین‌المللی، ابزارهای مالی باید به طور مؤثر برای حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در سطح محلی به کار گرفته شوند.
	واگذاری اختیارات به نهادهای خصوصی و نیمه دولتی	با مدیریت مناسب از طریق رویکرد منظر شهری تاریخی، عملکردهای جدید از جمله خدمات و گردشگری، طرح‌های مهم اقتصادی می‌گردند که می‌توانند به رفاه جوامع و به حفاظت از مناطق شهری تاریخی و میراث فرهنگی شهری کمک نمایند و در عین حال تنوع اقتصادی و اجتماعی و عملکرد مسکونی را تضمین نمایند.
	اجتناب از مسئولیت انکار نیاز به دگرگونی نهادی ساختاری	یادآوری این موضوع که مجموعه‌ی استانداردهای مرتبط با یونسکو، شامل کنوانسیون‌ها، توصیه‌نامه‌ها و منشورها ۳ که با موضوع حفاظت از مناطق تاریخی می‌باشند، همگی معتبر باقی بمانند
	پی‌گیری انحصارطلبی سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های قدیمی	قدرانی از سازمان‌های بین‌المللی همکار که در طول شش سال گذشته در فرآیند بررسی سهم بوده‌اند و یونسکو را در وظیفه‌ی خود در تدوین اصول و دستورالعمل برای حفاظت از منظر شهری تاریخی برای حمایت از کشورهای عضو و جوامع محلی پشتیبانی کرده‌اند؛

نمودار ۷. تاکتیک‌های کلی سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (UNESCO, 2011) (یافته‌های پژوهش)



(Van oers, 2014, 326).

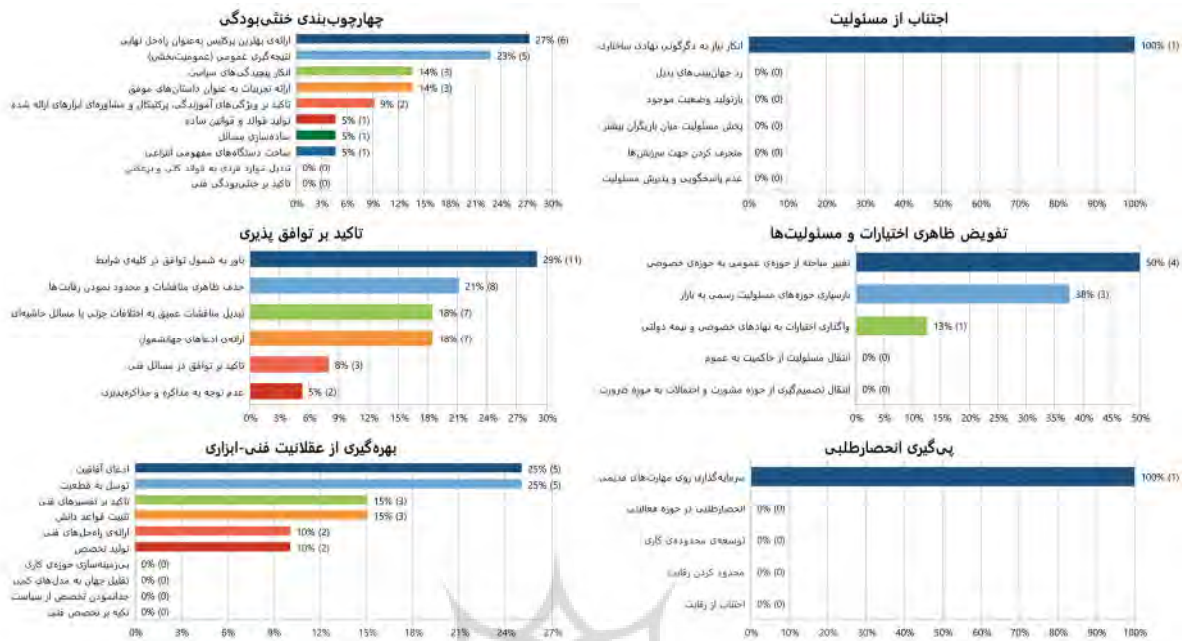
توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی با مشاهده‌ی عدم کارایی رویکردهای فنی که در دکتین‌های حفاظت به آن‌ها پرتکرار ارجاع شده است سعی کرده تا کمی به سمت رویکردهای پس‌ساختار گرایانه تغییر جهت دهد. باین‌حال همان‌گونه که در نمودار ۷ مشخص است این تغییر جهت موجب تمرکز غیرعادی بر توافق و توافق پذیری شده است. هرچند رویکرد منظر شهری تاریخی سعی دارد به چهارچوب‌های مشارکتی به‌منظور ترویج حفاظت ارجاع دهد باین‌حال موضوع مهم در این چهارچوب‌ها مذاکره و مذاکره‌پذیر بودن ادعاهاست که در توصیه‌نامه هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. خنثی‌بودگی و بهره‌گیری از عقلانیت فنی ابزاری دیگر روش‌های سیاست‌زدایی در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی‌اند. نکته‌ی جالب توجه در این توصیه‌نامه ظهور ارجاعات مرتبط با بخش خصوصی و بازار است. توصیه‌نامه نه‌تنها توجه به مسائل اقتصادی را ضروری می‌داند بلکه پیشنهاد می‌دهد بارسپاری مسائل حفاظت به بازار می‌تواند در جهت حفظ شهرهای تاریخی کارگشا باشد.

بیشترین تاکتیک سیاست‌زدایی در توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی تأکید بر توافق‌پذیری بوده است. نمودار ۸ با جزئیات بیشتری به سیاست‌زدایی در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی می‌پردازد. باور به شمول به توافق در کلیه‌ی شرایط، حذف ظاهری مناقشات، تبدیل مناقشات عمیق به اختلافات ظاهری قابل حل، ارائه‌ی ادعاهای جهان‌شمول و عدم

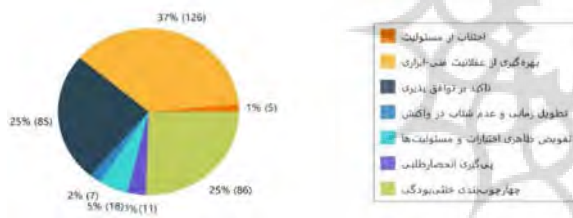
را «در اختیار نهادهای حاکمیتی و سیاست‌گذاری در سطوح بین‌المللی و ملی قرار می‌دهد» (UNESCO, 2011). توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی دستیابی به این قطعیت را با یک فرآیند خطی شش مرحله‌ای دارای نظم متوالی برای هدایت کلی فرآیند مدیریت امکان‌پذیر دانسته است. همچنین توصیه‌نامه خوش‌بین است که «ابزارهای مشارکت مدنی باید به‌منظور نگهداشت میراث فرهنگی به توافق دست یابند» و «تمام سطوح دولتی شامل دول محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی باید به‌طور هماهنگ به پیشبرد سیاست‌های حفاظت میراث کمک‌رسانند. این سیاست‌ها باید هماهنگ با هر دو دیدگاه نهادی و بخشی باشد» (UNESCO, 2011).

جدول ۵ به تاکتیک‌های سیاست‌زدایی در توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی پرداخته است. همان‌گونه که از این جدول پیداست وضعیت برنامه‌ریزی برای میراث به یک وضعیت ساده، قطعی، بدون ابهام و همچنین توافق‌پذیر بدل شده است. به طوری که در تمام سطوح برنامه‌ریزی، میراث را جهانی بیرونی می‌پندارد که در آن حفاظت گران‌متخصص باید به دنبال یافتن راه‌هایی برای شناسایی، حفظ و مدیریت ارزش‌ها باشند. رویکرد ساده‌ی کاربست حفاظت عقلانی اینجا تبدیل به برنامه‌ی جامعی شده است که باندترین و ون اوئرز (۲۰۱۴) ضمن اعتراف به سادگی آن دلیل این سادگی را بدین‌شکل توضیح می‌دهند: «ساده است تا بتواند به خواست‌های حاکمیت محلی و شوراهای شهری در بخش‌های مختلف جهان، شامل حتی آن‌هایی که منابع و تجارب نهادی محدودی دارند، پاسخ دهد» (Bandarin)

نمودار ۸. تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از حفاظت میراث در توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی (UNESCO, 2011) (یافته‌های پژوهش)



نمودار ۹. جمع‌بندی تاکتیک‌های سیاست‌زدایی در چهار سند حفاظت (یافته‌های پژوهش)



فنی»، «ارائه راه‌حل‌های فنی»، «تکیه بر تخصص فنی»، «تثبیت قواعد دانش»، «توسل به قطعیت»، «ادعای آفاقیت»، «تولید تخصص» و «جدانمودن تخصص از سیاست» شده است. دومین دسته‌ی اصلی پرارجاع «چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی» است. در این دسته‌نیز به ترتیب تاکتیک‌هایی شامل «ساده‌سازی مسائل»، «عمومیت‌بخشی»، «ارائه بهترین پراکتیس به‌عنوان راه‌حل نهایی»، «تولید قواعد و قوانین ساده»، «تأکید بر ویژگی‌های آموزندگی، پراکتیکال و مشاوره‌ای ابزارهای ارائه‌شده»، «ارائه تجربیات به‌عنوان داستان‌های موفق»، «انکار پیچیدگی‌های سیاسی»، «تأکید بر خنثی‌بودگی فنی» و «ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی» برشمرده. تأکید بر توافق‌پذیری، سومین تاکتیک پرتکرار در سیاست‌زدایی از میراث در اسناد بوده است. در این دسته‌بندی به ترتیب بیشترین ارجاع به «باور به شمول توافق در کلیه شرایط»، «حذف ظاهری مناقشات و محدود نمودن رقابت‌ها»، «تبدیل مناقشات به اختلافات جزئی یا مسائل حاشیه‌ای» و «عدم توجه به مذاکره و مذاکره‌پذیری» شده است. «تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها» هر چند با اختلاف زیاد، چهارمین روش سیاست‌زدایی پرتکرار در دکترین‌های حفاظت است که شاخه‌های آن را باید بدین صورت برشمرده: «انتقال مسئولیت از حاکمیت به عموم»، «واگذاری اختیارات به نهادهای خصوصی

توجه جدی به مذاکره‌پذیری مباحث از روش‌هایی است که باعث شده‌اند توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی نیز به مانند اسناد پیشین از سیاست فاصله‌گیرد.

در توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی ادعای آفاقیت و قطعیت با گزاره‌هایی چون «بهترین روش، جامع‌ترین چهارچوب، یک‌روش اثرگذار» بارها تکرار شده است. در این سند همچنین سعی شده است خنثی‌بودگی از طریق انکار پیچیدگی‌های سیاسی، عمومیت‌بخشی و ساده‌سازی مسائل، ارائه‌ی تجربیات و اسناد پیشین به‌عنوان داستان‌ها و تجربیات موفق و ساخت دستگاه‌های مفهومی انتزاعی پیگیری شود. توصیه‌نامه تقریباً برای اولین بار تلاش می‌کند تا از سر آشتی با توسعه به‌ویژه توسعه‌ی اقتصادی برآید و بنابراین بسیار سعی می‌کند بسیاری از اختیارات و مسئولیت‌ها را از دوش حفاظت‌گران بردارد و آن‌ها به نهادهای خصوصی و بازار واگذار نماید.

یافته‌های پژوهش

نمودارهای ۹ و ۱۰ به جمع‌بندی یافته‌های پژوهش یعنی روش‌های سیاست‌زدایی در دانش حفاظت با نگاهی به دکترین‌های «منشور ونیز»، «سند حفاظت گر-مرمت‌گر»، «منشور واشنگتن» و «توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی» پرداخته است. با مروری بر سایر اسناد حفاظت می‌توان ادعا کرد دکترین‌های بررسی‌شده شباهت زیادی با اسنادی مانند «سند نارا»، «منشور بورا» و «بیانیه‌ی والتا» دارند. از این رو می‌توان نتایج به‌دست‌آمده از این اسناد را به سایرین نیز گسترش داد.

بیش از ۳۳۸ بار در اسناد حفاظت تحلیل‌شده به تاکتیک‌های سیاست‌زدایی ارجاع داده شده است. این حجم از ارجاع شکی باقی نمی‌گذارد که به‌طور گسترده از این اسناد سیاست‌زدایی شده است یا بهتر است گفت این اسناد سیاست‌زدایی را در دانش حفاظت ترویج می‌کنند. «بهره‌گیری از عقلانیت فنی-اجرایی» بیشترین ارجاع را در میان این اسناد داشته است. در زیرمجموعه‌ی این تاکتیک در اسناد بیشترین ارجاع به «تأکید بر تفسیرهای

عرصه‌ها یا سایر افراد برشمرد. این مقاصد سیاست‌مداران از طریق تاکتیک‌های پرشماری انجام می‌پذیرند که بر مبنای نظریات پژوهش‌گران حوزه‌ی سیاست‌زدایی می‌توان آن‌ها را در شش دسته‌ی اصلی شامل «بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری»، «چارچوب‌بندی خنثی‌بودگی»، «تأکید بر توافق‌پذیری»، «تفویض ظاهری اختیارات و مسئولیت‌ها»، «پیگیری انحصارطلبی» و «تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش» جای داد. از آنجایی که دانش حفاظت بر مبنای اسناد و دکتربین‌های سازمان‌های بین‌المللی شکل گرفته است لذا در مسیر درک سیاست‌زدایی از آن، تحلیل محتوای اسناد مبتنی بر تاکتیک‌های شناسایی شده راهگشاست. با واکاوی چهار سند منشور و نیز، سند حفاظت گر-مرمت گر، منشور واشنگتن و توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی از نگاه سیاست‌زدایی می‌توان نتیجه گرفت اصلی‌ترین تاکتیک سیاست‌زدایی از این دکتربین‌های حفاظت «بهره‌گیری از عقلانیت فنی-ابزاری» بوده است. با این حال باید ذکر کرد که با گسترش مقیاس حفاظت به محدوده‌ی شهرهای تاریخی و درک عدم کارایی راه‌حل‌های فنی در مواجهه با چالش‌های پیچیده‌ی شهری، در منشور واشنگتن و توصیه‌نامه‌ی منظر شهری تاریخی این تاکتیک «تأکید بر توافق‌پذیری» بوده که مورد تأکید قرار گرفته است. در مجموع با شناسایی این حجم از تاکتیک‌های سیاست‌زدایی باید تصدیق کرد که یکی از دلایل ناکامی دانش غالب حفاظت در پیگیری اهدافش قطعاً نادیده گرفتن یا پنهان کردن سیاست است. لذا این مقاله ضمن فراهم نمودن مقدمات سیاست حفاظت، چگونگی روش‌های سیاسی‌سازی با باز تعریف عاملیت حفاظت‌گران به‌مثابه کنشگران سیاسی را به‌عنوان افقی برای پژوهش‌های آتی معرفی می‌نماید.

و نیمه‌دولتی»، «بارسپاری حوزه‌ی مسئولیت‌های رسمی به بازار»، «تغییر مباحثه از حوزه‌ی عمومی به حوزه‌ی خصوصی» و «انتقال تصمیم‌گیری از حوزه‌ی مشورت و احتمالات به حوزه‌ی ضرورت». دیگر تاکتیک «پیگیری انحصارطلبی» است که با «انحصارطلبی در حوزه‌ی فعالیتی، توسعه‌ی محدوده‌ی کاری، سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های قدیمی و اجتناب از رقابت» مخاطبین را به سمت سیاست‌زدایی از حفاظت از میراث فراخوانده است. در نهایت نیز این «تطویل زمانی و عدم شتاب در واکنش» بوده است که به‌صورت محدود و با تاکتیک‌هایی چون «پیچیده کردن و تکثیر فرایندها» سیاست‌زدایی را در دکتربین‌های مورد بررسی قرار گرفته رقم زده است.

نتیجه‌گیری

در ضرورت سیاسی‌سازی حفاظت، قطعاً اولین گام شناسایی تاکتیک‌های سیاست‌زدایی از آن است. لذا هر چند پژوهش‌گران مطالعات انتقادی نسبت به پنهان کردن سیاست و قدرت در گفتمان رسمی میراث هشدار داده‌اند لیکن سیاست‌زدایی را محدود به تولید میراث کرده و شیوه‌های اعمال آن را در حفاظت به‌طور دقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده‌اند. در راستای پرکردن این حفره، سیاست‌زدایی را به‌طور خلاصه می‌توان به‌مثابه تبدیل موضوعاتی چون حفاظت از میراث به موضوعات فنی، خنثی و توافقی یا انتقال آن‌ها از حوزه‌ی دولتی به حوزه‌ی عمومی یا خصوصی تعریف کرد. با توجه به تنوع مقاصد سیاست‌مداران دلایل متعددی را می‌توان برای سیاست‌زدایی شناسایی کرد. لیکن اصلی‌ترین دلیل را باید اجتناب از مسئولیت‌ها و در نتیجه فرار از سرزنش‌ها با واگذاری آن‌ها به سایر

فهرست منابع

- Bandarin, F., & Van oers, R. (2014). *Reconnecting the city: The historic urban landscape approach and the future of urban heritage*. Wiley-Blackwell. <http://dx.doi.org/10.1002/9781118383940>
- Beveridge, R., & Koch, P. (2019). Depoliticization and urban politics: Moving beyond the "post-political" city. In J. Buller, P. Dönmez, A. Standing, & M. Wood (Eds.), *Comparing strategies of (de)politicisation in Europe* (pp. 201–222). Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-319-64236-9_8
- Burnham, P. (2001). New Labour and the Politics of Depoliticisation. *The British Journal of Politics and International Relations*, 3(2), 127–149. <https://doi.org/10.1111/1467-856X.00054>
- Carter, T., Harvey, D., Jones, R., & Robertson, I. J. M. (2020). *Creating heritage: Unrecognised pasts and rejected futures*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351168526>
- Chilton, P. (2004). *Analysing political discourse: Theory and practice* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203561218>
- Fadaei Nezhad, S. & Hanachi, P. (2022). A Study and Review of the Evolution of Policies and Plans Adopted for Conservation of Cultural Heritage, From 1999 Up To 2012 [Barrasi va tabyin-e sey-r-e tahavol-e siyasat-ha va barname-haye hefazat az miris-e farhangi, baze-ye zamani-ye sal-e 1357 ta 1391]. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 3(5), 21–37. <https://sid.ir/paper/503512/fa> (in Persian)
- Flinders, M., & Buller, J. (2006). Depoliticisation: Principles, tactics and tools. *British Politics*, 1(3), 293–318. <https://doi.org/10.1057/palgrave.bp.4200016>
- Flyvbjerg, Bent (2019). *Planning, Phronesis and Power* [Barname-rizi, feronesis, ghodrat]. (Nariman Jahanzad, Trans). Ketabkadeye Kasra. (Original work published 1998). (in Persian)
- Gentry, K., & Smith, L. (2019). Critical heritage studies and the legacies of the late-twentieth century heritage canon. *International Journal of Heritage Studies*, 25(11), 1148–1168. <https://doi.org/10.1080/13527258.2019.1570964>
- Harrison, R. (2012). *Heritage: Critical Approaches* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203108857>
- Hay, C. (2007). *Why we hate politics*. Polity.
- ICOM, (1987). The Conservator-Restorer: a definition of the profession. *Museum International*, 39(4), 231–233. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0033.1987.tb00699.x>
- ICOMOS. (1964). *International charter for the conservation and restoration of monuments and sites*. https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf
- ICOMOS. (1987). *Charter for the conservation of historic towns and urban areas* (Washington Charter 1987). https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/towns_e.pdf
- Johns, David. (2019). *Conservation politics: The last anti-colonial battle*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108185752>
- Kelly, M. G. E. (2014). *Foucault and politics: A critical introduction*. Edinburgh University Press. <http://www.jstor.org/stable/10.3366/j.ctt1g0b285>
- Krugman, P. (2020). Arguing with zombies: Economics, politics, and the fight for a better Future. W. W. Norton & Company. <https://doi.org/10.4337/ejep.2022.01.12%0A>
- Louis, M., & Maertens, L. (2021). *Why International Organizations Hate*

- itics of heritage. In C. Whitehead, G. Bozogl̇u, G. Campbell, & L. Smith (Eds.), *Routledge international handbook of heritage and politics* (p. 16). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003300984>
- Sullivan, H., & Skelcher, C. (2002). *Working across boundaries: Collaboration in public services*. Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1046/j.1365-2524.2003.04183.x>
- UNESCO. (2011). *Recommendation on the historic urban landscape*. UNESCO World Heritage Centre. <https://whc.unesco.org/document/172639>
- Waterton, E. (2010). Politics, Policy and the Discourses of Heritage in Britain. *Palgrave Macmillan London*. <https://doi.org/10.1057/9780230292383>
- Witcomb, A., & AM, K. B. (2013). Engaging with the Future of 'Critical Heritage Studies': Looking Back in order to Look Forward. *International Journal of Heritage Studies*, 19(6), 562-578. <https://doi.org/10.1080/13527258.2013.818570>
- Wood, M., & Flinders, M. (2014). Rethinking depoliticisation: beyond the governmental. *Policy and Politics*, 42, 151-170. <https://doi.org/10.51952/9781447326618.ch002>
- Wright, P. (1985). *On living in an old country: The national past in contemporary Britain*. Verso.
- اشمیت، کارل (۱۳۹۳). مفهوم امر سیاسی (یاشار جیرانی و رسول نمازی، مترجم). نشر ققنوس. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۷)
- فدایی‌نژاد، سمیه و حناچی، پیروز (۱۳۹۳). بررسی و تبیین سیر تحول سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی. بازه زمانی سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱. مطالعات معماری ایران، ۳(۵)، ۳۷-۲۱. <https://sid.ir/paper/503512/fa>
- فلویبر، بنت (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی، فرونسسیس، قدرت (نریمان جهانزاد، مترجم). نشر کتابکده کسری. (چاپ اثر اصلی، ۱۹۹۸)
- مرادی، صدرا و فدائی‌نژاد، سمیه (۱۴۰۲). گذار از حفاظت عقلانی به حفاظت پراگماتیک: روایتی از هنر عمل در حفاظت از میراث جهانی چغازنبیل. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۸(۴)، ۲۱-۳۷. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.371777.672942>
- مرتجائی، سوده، حاجیان، ابراهیم، صالحی امیری، سید رضا و امیرخانی، غلامرضا (۱۴۰۲). ارزیابی سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی (باتا کیدبر میراث مستند و مکتوب). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۹(۷۳)، ۶۷-۹۳. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2022.561260.2600>
- مظفری، علی (۱۴۰۰). میراث به‌منزله‌ی مذاکره. آبادی، ۲۸(۸۸)، ۶۴-۷۸. https://www.academia.edu/89362675/Ali_Mozaffari_Heritage_as_negotiation
- Politics: Depoliticizing the World* (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429466984>
- Kulynych, J.J. (1997). Performing Politics: Foucault, Habermas, and Postmodern Participation. *Polity*, 30, 315 - 346. <https://doi.org/10.2307/3235221>
- Marchart, O. (2011). Democracy and Minimal Politics: The Political Difference and Its Consequences. *South Atlantic Quarterly*, 110, 965-973. <https://doi.org/10.1215/00382876-1382357>
- Meskell, L. (2016). World Heritage and WikiLeaks: Territory, Trade, and Temples on the Thai-Cambodian Border. *Current Anthropology*, 57(1), 72-95. <https://www.jstor.org/stable/26544044>
- Moradi, S., & Fadaei-Nezhad, S. (2023). Transition from rational conservation to pragmatic conservation; a narrative of the art of practice in the conservation of Chogha Zanbil world heritage [Gozar az hefazat-e aqlani be hefazat-e pragmatik; revayati az honar-e amal dar hefazat az miris-e jahani-ye Choghazanbil]. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 28(4), 21-37. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.371777.672942> (In Persian)
- Mortajaei, S. & Hajiani, E. & Salehi Amiri, S. R. & Amirkhani, G. (2024). Evaluation of cultural policies after Islamic Republic in the area of cultural heritage conservation (emphasizing on the documentary and written heritage) [Arzyabi-ye siyosat-haye farhangi pas az enqelab-e eslami dar houze-ye hefazat az miris-e farhangi (ba takid bar miris-e mostanad va maktub)]. *Cultural Studies & Communication*, 19(73), 67-93. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2022.561260.2600>
- Mozaffari, A. (2022). Heritage as Negotiation [Miris be-manzale-ye mozakere]. *Abadi*, 28(88), 64-78. https://www.academia.edu/89362675/Ali_Mozaffari_Heritage_as_negotiation (In Persian)
- Peng, Q., Chen, S., & Berry, C. (2023). To let go or to control? Depoliticisation and (re)politicisation in Chinese football. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 16(1), 135-150. <https://doi.org/10.1080/19406940.2023.2271948>
- Ranci re, J. (1995). *Disagreement: Politics and philosophy*. University of Minnesota Press.
- Schmitt, Carl (2014). The Concept of the Political [Mafhum-e amr-e siyasi] (Yashar Jeyrani & Rasoul Namazi, Trans.). Ghoghnoos (Original work published 2007) (In Persian)
- Silver, C., & Lewins, A. (2014). Using software in qualitative research. *SAGE Publications Ltd*. <https://doi.org/10.4135/9781473906907>
- Smith, L. (2006). *Uses of Heritage*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203602263>
- Smith, L., Whitehead, C., Campbell, G., & Bozogl̇u, G. (2024). The pol-